

باهشیاری واتحاد، برای مقابله با توطئه جدید آمریکا آماده باشیم



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۶
دوشنبه ۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۱ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

جنجال عظیمی بر سر «گروگانها» برپا شده است. ریگان و کارتر و ماسکی و سختگویان کنجسفيد و پنتاگون و انواع و اقسام مفسران راديوها و تلویزیونها و همه خیرگرازیهای غرب، همه باهم، یکپارزه فریاد برآورده اند که شرایط ایران برای آزادی «گروگانها» شرایطی است «غیرمنطقی». مخالف با «شرایط مله» آمریکا، خسار از اختیارات و امکانات کنجسفيد، «باج خواهی» غیر قابل قبول، فاسزگار یا «هدیه های اصلی آمریکا» است. اشک تمساح است که میل آسا برای «گروگانها» از پشیمان و قبح ترین و چنانکه ترین نمایندگان امپریالیسم خونخوار آمریکا سرازیر میشود. برای آمریکایی «مطلوبه» چارهای نموده است جز اینکه «اقتضای قاطع تری» انجام دهد و بنا به پیشنهاد پدر یک «گروگان» به مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی «عالم» ایران، بپردازد.

نظری به مجموع عملیات اخیر آمریکا و عمالتی در خارج ایران و توجیهی به تحریکات و جوسازی ضدانقلابی، که باز در داخل کشور در روزهای اخیر شدت گرفته، تردیدی باقی نمی گذارد که ما مجددا در آستانه اجرای اقدام تازه ای از جانب آمریکا برای شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته ایم. تهاجم نظامی ناگهانی صدام، ششمین توطئه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ما و بازس گرفتن ایران بود. این توطئه، که بنا به محاسبات دقیق (!) دستگاه دولتی آمریکا می بایست از ۴.۳ روز تا حداکثر یک هفته جمهوری اسلامی ایران را از پای در آورده، با شکست روبرو شد. اینک آمریکا مجددا در کار تدارک توطئه دیگری است، تا بهدین جنایتکارانه خود برسد.

در خارج کشور، نه فقط در آمریکا، بلکه در تمام دنیای سرمایه داری، که زیر پوشش «امپریالیسم خبیث» قرار داده باز

مردم در راهپیمائی دیروز شعار می دادند:

**مرگ بر آمریکا،
مرگ بر ریگان**

● مردم شعار می دادند:
تفرقه وجدائی، سلاح آمریکائی

حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

نشریات حزب توده ایران با پیگیری و سرسختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و دفاع خواهند کرد

(دوباره اظهارات آقای ابوالقاسم صادق، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی درباره نشریات حزب توده ایران)

۳ رفیق توده ای را در تبریز فورا آزاد کنید!

خطر صدور حکم اعدام برای دو نفر از اعضای حزب توده ایران در تبریز وجود دارد

۳ تن از اعضای حزب توده ایران چند روز پیش در راه بوکان - میاندوآب دستگیر شدند و بر اساس اطلاعات رسیده دو نفر از آنها در خطر اعدام قرار دارند. بر اساس گزارش خبرنگار نام خرد ۴ در تبریز فقط خالد قریشی (مسئول سازمان حزب توده ایران در بوکان)، عبدالله گوردور (از مسئولان حزب در بوکان) و کریم نورانی (مسئول سازمان جوانان توده ایران در بوکان) بدون هیچگونه دلیلی در نزدیکی میاندوآب دستگیر و به تبریز برده شده اند. اطلاعات پستی خبرنگار ما نشان میدهد که برای دو نفر از این افراد احتمال صدور حکم اعدام مردود. بقیه در صفحه ۲

آقای ابوالقاسم صادق معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی در یک گفتگو با روزنامه کیهان (۱۶-۱۰-۵۹) به توضیح نظریات خویش پیرامون لایحه جدید مطبوعات پرداخته است.

بیشک تدوین لایحه مطبوعات، که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد و تسخیر انقلاب بزرگ ایران را طی دو سال گذشته دیر داشته باشد، امری مهم و ضرور است. طی دو سال گذشته نشریات بسیاری در عرصه جامعه ما پدید آمدند و هر یک به شیوه و تفکر خاصی خویش با انقلاب ایران توسر شدند، برخی از آنها در حقیقت ساختن مردم نیست به توطئه های امپریالیسم آمریکا تلاش کردند، طرح های خائنه شیطان بزرگ و مزدوران داخلی آنها افشا کردند و با تمام قوا از انقلاب جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بقیه در صفحه ۲

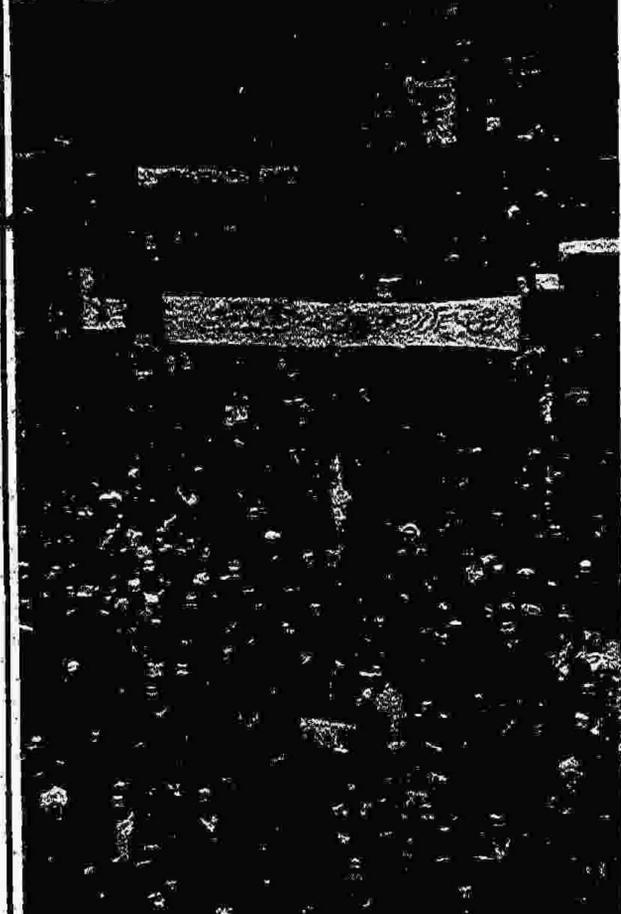
در ادامه جنگ خسارات زیادی به ارتش صدام حسین وارد آمد

نبرد مدافعان انقلاب با تجاوزگران صدامی در چند روز گذشته نیز همچنان به شدت ادامه داشت.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۴۹ خود، قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را بشرح زیر برترسوده و اوضاع جبهه ها در تاریخ ۴ دی ماه جاری را چنین اعلام کرده است:

۱- ساعت ۱۲:۳۰ بریزروز شد انقلابیون در پنج کیلومتری ستر با یکی از واحدهای تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درگیری ایجاد کردند، که اجبارا واحد نظامی درگیر مجبور به رفع مزاحمت شده و تلفات و ضایعاتی به ضدانقلابیون وارد ساخته است. از میزان تلفات ضدانقلابیون اطلاعاتی در دست نیست و به نیروهای خودی تلفاتی وارد نشده است.

۲- ضدانقلابیون ساعت ۲۳ چهارده میانه یک پاسکامزانداری را در ۲۵ کیلومتری دیواندره محاصره کردند. بر اثر این اقدام بین نیروهای خودی و ضدانقلابیون درگیری ایجاد شد و تا ساعت ۴ بامداد روز گذشته (۵ دیماه) ادامه داشت. سرانجام ضدانقلابیون بقیه در صفحه ۲



گوشه ای از راهپیمائی عظیم دیروز. مردم شعار می دادند: رهبری خمینی، اساسی وحدت ماست.

چراغان نفر از مردم تهران در غریب شعارهای مذهبی و فریاد های «مرگ بر آمریکا» «مرگ بر ریگان» به مناسبت دیروز از زمین راهپیمائی کردند.

مردم تهران صبح دیروز در حالیکه مردان و زنان کفن پوش پیشانیهای آنها حرکت می کردند، از ۶ نقطه تهران حرکت کردند و در حالیکه در شمارهای خود بار دیگر همبستگی خود را با رهبر انقلاب، برای دفاع از زمین انقلابی در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزکار صدام اعلام می داشتند، به جانب میدان امام حسین حرکت کردند.

پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه روز ۸ دیماه امسال شصتمین سالگرد تأسیس خود را بزرگ می داند. کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت تلگراف شاد باش زیر را به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه مخابره کرد:

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه رفقای گرامی! کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین سالگرد بقیه در صفحه ۲

استقلال و آزادی

برخلاف سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران و دستور وزیر کشور: افغانی ها و رنجبری ها در تهران راهپیمائی کردند

داده اند، صبح بریزروز گروهی از افغانی های وابسته به حزب آمریکائی و حرکت اسلامی افغانستان، به کمک مأموریت های آمریکائی «رنجبر»، در تهران دست به یک راهپیمائی تحریک آمیز زدند و در پایان به سفارت اتحاد بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ششمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه

حزبی آبدیده در کوره نبردها، متکی به طبقه کارگر و وفادار به همبستگی

کمونیستهای فرانسوی امروز ۲۹ دسامبر (۸ دسامبر) ششمین سال تاسیس حزب خود را جشن میگیرند. آنها بحق بخود میبالند که در این ۲۰ سال از میان خون و آتش، دشواریها و پیروزیها، راه گشاییها و اشتباهات، فرازها و نشیبها توانستهاند حزبی را آبدیده کنند که در صحنه سیاسی کشور فرانسه قادر است بسا کامیابی پنجه در پنجه انحصارات امپریالیستی و شرکتی چندملیتی افکند و انواع فشارهای ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی راه تا آنجا که در توان دارد، بسند طبقه کارگر پراقتدار فرانسه، خشن کند و یکی از گردانهای مؤثر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بدل گردد.

کمونیستهای فرانسوی زایش حزب خویش را به پیدایش نور در دل شب تاریک تشبیه میکنند. این شب در شهر «توره» در جریان کنکره حزب طبقه کارگر - در آنوقت هنوز سوسیالیست نامیده میشد - پایان گرفت. در سالهای جنگ اول جهانی و پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، در مقابل جنبش کارگری و کمونیستی این وظیفه حیاتی فراگرفت که صفوف خود را از اپورتونیستیک کند، سیاست و روش انقلابی، که بیکرانه در خدمت منافع طبقاتی زحمتکشان باشد، انتخاب کند و از دامهای همکاری طبقاتی، سازشکاری و تسلیم، که در برابرش گسترده میشد، حذر نماید. در فرانسه، پس از پنجاه بحثهای پرشوره، که در تمام شعب حزب سوسیالیست، پدینال فراخوان انترناسیونال سوم در گرفت، و پس از ۵ روز مباحثات بسیار جدی و اصولی در کنکره «توره» بالاخره به پیشنهاد مبارز شوریه، مارسل گائین، با اکثریتی عظیم، که بیش از سه چهارم نمایندگان حاضر در کنکره را دربر میگرفت، راه اصولی، بی گبر و انقلابی برگزیده شد. الحاق به انترناسیونال سوم، به رهبری لینن، تصویب گردید.

این سند تولد حزب کمونیست فرانسه بود، حزبی که میرفت تا در کوره رویدادها حساب خود را از رقمیسم و سازش بابووروازی جدا کند و در راه همبستگی بین المللی زحمتکشان جهان، دفاع از سوسیالیسم و از نهضت آزادیبخش ملی، اقتضات عدیده کب کند و با توسل به انواع شیوههای مبارزه، از سازمان دادن نهضت مسلحانه مقاومت و کسب لقب پراقتدار حزب سیدان گرفته، تا شرکت در پارلمان و در دولت، از توسل به بهترین امتیازات و راهیهای میتینگها و جشنهای وسیع توده ای گرفته، تا رویارویی ایدئولوژیک با اندیشه بردازان بووروازی امپریالیستی، از کوشش برای تشکیل جبهه واحد خلق گرفته، تا یافتن راههای همکاری با مسیحون مرفی و زحمتکش، به رسم خود در غنای کردن گنجینه شوریه و علمی فعالیت کمونیستها بکوشد.

انترناسیونالیسم پروتری، همبستگی بین المللی زحمتکشان جهان، از وجوه مشخصه و بارز حزب برآمد ما بوده است. در همان کنکره «توره» بانگ پرشور شوریه، نماینده شبه جزیره هندوچین، که آژمان مستعمره فرانسه بود، طنین افکن شده، طینی که شمسال است خاموش نشده و همواره حزب کمونیست فرانسه را در نبرد علیه استثمار فرانسه و نواستعمار رهنمون شده است.

در همان کنکره «توره»، حضور تکان دهنده بانو کلارا تسکین، نماینده انترناسیونال سوم، که مخفیانه و علیرغم ضمانت دولت فرانسه به این کشور آمده بود، شالوده بیوفندی را ریخت که با وجود همه جزر و مدها و طوفانهای حوادث در صحنه بین المللی، قویتر و ریشه دارتر شده است. بانو کلارا تسکین، که در آنهنگام ۶۳ ساله بود و سالهای پر شمار زندان را پشت سر گذاشته و از فعالین بنام جنبش کارگری و انقلابی جهان بوده، هنگام تاسیس حزب کمونیست فرانسه، در جلسه کنکره خطاب به نمایندگان گفت:

شما در این لحظه تاریخ را نمی نویسید، شما تاریخ را میسازید. این وظیفه عظیم را کمونیستهای فرانسوی، با تکیه به نیروی لایزال توده زحمتکش، بویژه کارگران آن کشور، به انجام میرسانند. ما توهمایا، که در این سالروز تاسیس حزب کمونیست فرانسه،

به رفقای همزم خویش شادباش میگویم، بیاد می آوریم سالهای سیاه حکومت وابسته شاه ملون را که طی آنها، کمونیستهای فرانسوی از برجسته ترین مدافعان جنبش مردم ما بودند و همواره در رده اول مبارزه بین المللی علیه نظام وابسته و استبدادی شاه ملون قرار داشتند و همیشه بانگ پراقتدار نمایندگان این حزب در اعتراض به جنایات شاه ملون و در آغوش سیاستهای ضد خلقی و ضد بینمی او در صحنه جهان، طنین رسائی داشته است. ما بیاد می آوریم همین دو سال اخیر و پس از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی خود را، که حزب کمونیست فرانسه تقریباً یک و تنها با موج عظیم تبلیغات دروغ پر ازانه بووروازی فرانسه، اتهامات خیرگرازیها و جراید پر شمار فرانسوی مقابله میکرد و حقایق را درباره انقلاب ما، تا آنجا که می توانست، با اطلاع مردم فرانسه میرسانید. سیاست روشن این حزب نیز، مانند سایر گردانهای جنبش جهانی کارگری و کمونیستی نشان داد که دوستان واقعی انقلاب، و مردم انقلابی ما کیانند و چگونه ما در یک صف مشترک در نبرد علیه امپریالیسم و توطئه های آن قرار دارند.

موفق باد نبرد دشوار، ولی پراقتدار کمونیستهای فرانسوی، و مبارز باد جشن ششمین سال تاسیس حزب کمونیست فرانسه!

حفظ نشریات...

بقیه از صفحه ۱

پشتیبانی کردند، راه پیمودند و از جبهه بر حذر داشتند. اما بالمکس، برخی از این نشریات، که گروهی از آنان مستقیماً توسط جاسوسان سیا به هدایت میشدند، تا توانستند میان صفوف خلق تفرقه انداختند، یا نشر اخبار دروغ کوشیدند تا مردم را نسبت به دوستان انقلاب ایران بدبین سازند، افکار را از خطر توطئه های شیطان بزرگ منحرف کنند و به پیشبرد توطئه های شوم وی یاری رسانند. برخی از این نشریات دیگر اکنون وجود ندارند و انقلاب آنها را از سر راه خویش برداشته است، اما هنوز گروهی از آنان به فعالیت مخرب خویش علیه انقلاب مشغولند. بنابراین، برای مقام مسئولی که درباره قانون جدید مطبوعات سخن میگوید و باید بر اساس تجربه تلخ، ولی پیرایه دوساله گذشته، درباره خط مشی مطبوعات سال سوم انقلاب بر طبق مصالح انقلاب اظهار نظر کند، میبایست این تجارب جدا مورد توجه قرار گیرد. آنهم زمانیکه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه تکوین هفتمین توطئه امپریالیسم آمریکا قرار دارند و باز هم برخی نشریات، نه فقط کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و شیوه های مقابله با آنها ضرورت اتحاد خلق و نیروهای انقلابی علیه تالاشیهای ضد انقلابی، سخن نمی گویند، بلکه خاک در چشم مردم میاشند و به تفرقه جوشی دست میزنند.

اما در کمال تأسف و توجبه، آقای صادق حتی کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا که پس از پیروزی انقلاب ایران حتی یکدم نیز قطع نشده و هر توطئه آنان خطرناکتر و دستناکتر از توطئه پیشین به اجرا درآمده و ایشان نیز باید از آن بخوبی اطلاع داشته باشند سخن نمی گویند، او حتی کلمه ای در مورد نقض مطبوعات ضد انقلابی، که با سکوت در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و منحرف کردن افکار مردم از خطر جدی امپریالیسم آمریکا، به امپریالیسم آمریکا یاری رسانیدند و اکنون نیز در همین جهت عمل میکنند، بر زبان نمی آورند، او ضرورت وحدت مطبوعات متحد و انقلابی را برای آنتهای توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و هشیار ساختن مردم متذکر نمیشود، او تنها میگوید که «کمیسون رسیدگی به امتیازها» باید «بتواند امتیاز نشریاتی را که برخلاف ادعاهای

اولیه شان قدم بر میدارند، لغو نماید. وی سپس متذکر از «حزب توده ایران» و ارگان مرکزی «نامه مردم» نام میبرد، که گویا «برخلاف ادعاهایشان عمل کرده اند»!

دلیل آقای معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی برای لغو امتیاز نامه «مردم» چیست؟ هیچ! شکفتن تکیز و تاسف اور است، اما واقعیت دارد که آقای صادق بر آنکه بتواند هیچ ایراد قانونی (فانونی) که هنوز موجود است) بر کار حزب توده ایران و نشریات آن، که همگی منطبق بر قانون مطبوعات و بسا اجازه وزارت ارشاد اسلامی منتشر می شوند، وارد آورده چنین خصمانه بر حزب توده ایران نه صداقت و صمیمیت خویش را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به آبیات رسانیده است، بتازد و باز بی هیچ دلیلی، اقترای ۴۰ ساله وابسته را - که ساخته رژیم پهلوی است - در مورد آن تکرار کند!

دلیل این برخورد غیر مسئولانه چیست؟ درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا توطئه هفتم خویش را برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذارده و دستهای متشکوکی در گوشه و کنار کشور تفرقه می رانند، صحبت از «لغو امتیاز از کار مرکزی حزب توده ایران» که همواره افتخار کمربندهای امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن بوده است، بسود چیست؟ بیشک سخنان آقای صادق بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بسود اتحاد نیروهای انقلابی علیه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و در راس آن امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن نیست. چنین سخنانی شایسته یک مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز نیست. مقامی چون معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی باید در جهت تقویت و حمایت از مطبوعات انقلابی و متحد و علیه مطبوعات تفرقه افکن و ضد انقلابی گام بردارد و چنان سخن بگوید و طوری عمل کند که ضد انقلاب بتواند از آن سوء استفاده کند. ما امیدواریم که آقای صادق در قضاوت خود درباره حزب توده ایران و نشریات آن، تجدین نظر کند، زیرا نشریات حزب توده ایران، بشهادت صفحات آن، یا پیگیری و سرمختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و خواهند کرد. لذا حفظ این نشریات فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

طبق قرارداد جدید اقتصادی بین دو کشور

اتحاد شوروی به افغانستان در راه کسب استقلال اقتصادی خود یاری می کند

اسناد همکاریهای جدید اقتصادی بین اتحاد شوروی و جمهوری دیمکراتیک افغانستان به امضاء رسید. طبق مندرجات این اسناد، اتحاد شوروی در ساختمان چندین واحد صنعتی و واحدهای تولیدی دیگر در افغانستان شرکت خواهد کرد. همچنین این کشور در ساختمان یک خط انتقال برقی، یک کارخانه سازنده ماشین آلات کشاورزی و نیز در سازسازی شبکه های آبیاری، افغانستان را یاری خواهد داد. کارشناسان اتحاد شوروی در اکتشاف منابع گاز و استخراج نفت در شمال افغانستان، متخصصین افغانی را یاری میدهند و در تربیت کادر ملی به افغانستان انقلابی کمک می کنند. همچنین اتحاد شوروی چندین پارتی اتومبیل و

کالاها ی مصرفی بطور بلاعوض در اختیار دولت افغانستان قرار میدهند. از سوی دیگر، سلطان علی گشتمند، معاون نخست وزیر جمهوری دیمکراتیک افغانستان، که برای شرکت در دومین کنکره حزب کمونیست گوبا به هارانا رفته بود، در سخنانی گفت: «ملت افغانستان قاطعانه توطئه های آمریکا، چین و پاکستان و ارتجاع جهانی را علیه انقلاب خود درهم می شکنند. وی افزود: «دشمنان انقلاب تلاش دارند که در ساختمان زندگی نوین افغانستان خرابکاری کنند و این تلاشها هر چند مشکلاتی بوجود می آورد، لیکن مردم افغانستان بر همه توطئه ها پیروز خواهند شد.»

باید برای صلح بجنگیم

باید برای بارش باران باید برای گل باید برای رشد بهاران باید برای غلغله اشیا ته ها باید برای عید بجنگیم

باید برای خانه تو آشیان من باید برای میهن باید برای عشق بجنگیم

باید برای کودک فردا باید برای دوست باید برای شادی، آزادی، یاداد زیستن

باید برای صلح بجنگیم طارم سرلیفت ۵۹۲۲۳

مرکز امریکا...

بقیه از صفحه ۱

در دست داشت. هزاران پلاکارد در میدان موج میخورد، که در آنها مردم قبرمان تهران پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی اعلام کرده بودند. میدان بزرگ از طنین شعارها می لرزید:

- مرگ بر آمریکا!
- مرگ بر ریگان!
مردم همچنین شعار میدادند:
- خمینی روح خدا، فرمانده کل قوا!
- رهبری خمینی اساس وحدت ماست

در این مراسم جلال الدین فارسی سخنرانی کرد. او از جمله گفت: «یک راه دیگر برای حذف روحانیت این است که در برابر روحانیون انقلابی و متعهد، روحانی نمایانی برآیند و به خدمت خود بگیرند. قدرتهای استعماری برای اینکه بتوانند روحانیت مبارز را از بین ببرند روحانیون قلابی میسازند.»

مردم همچنین شعار میدادند:
- تفرقه و جدائی، صلاح آمریکائی!
بر اساس گزارش خبرنگاران، نامه «مردم» از تیرین، شیراز، اسفهان، آبادان، رشت، مشهد، رودسر، زنجان و دیگر شهرهای کشور، مردم سراسر ایران در راهیهای عظیم خود پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی اعلام کردند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در حالیکه کشور ما در وضعی بسر میرود که امپریالیسم آمریکا هر آن درصدد ایجاد تشنج و درگیری است و در شرایطی که وزارت کشور رسماً هرگونه راهیهای را مشروع کرده است، انجام این راهیهای و کوشش برای ایجاد درگیری و اغتشاش، مستقیماً مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن ذهن مردم ایران از دشمن اصلی است. در حالیکه امروز آرامش برای ما لازمی از همه چیز است، این راهیهای تحریک آمیز، که اقدامی است در جهت اغتشاش و درگیری، یک خیانت است، جزئی است از یک توطئه خطرناک براندازی، که آمریکا علیه انقلاب ما تدارک می بیند.

افغانی ها...

بقیه از صفحه ۱

تهران، در خطبه نماز جمعه ۵ دی گفت: «آمریکا از حمله صدام به ما بوس شده است و درصدد حمله دیگری برآمده. ایجاد درگیریها و اغتشاشها»

امام جمعه تهران افزود: «شمن اگر بتواند اغتشاشهای داخلی بوجود بیاورد، چه در شهرها، در جاده ها و در روستاها، به موفقیت خود نزدیک شده.»

امام جمعه تهران سرریا گفت: «باید هر کسی شورشی، اغتشاش، درگیری و کوچک، یا مقدمات آنرا بوجرد بیاورد، به اسلام و مسلمین و جمهوری و امام این امت خیانت کرده است.» امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هم درست در ارتباط با نقشه امپریالیسم آمریکا برای اغتشاش و درگیری، در دیدار روز ۴ دی با انجمن های اسلامی کسبه مشهد گفتند:

«امروز آنچه برای ما آزهده چیز لازم است، آرامش است. وزیر کشور هم برای جلوگیری از توطئه های دشمن، در اطلاعیه ای که روز جمعه ۵ دی منتشر شد، اعلام کرد: هرگونه راهیهای و تشنج و اغتشاش در این موقیت حلسی بیفایده است و به هیچ وجه قابل اغماض نیست.»

وزیر کشور هرگونه راهیهای و تشنج و اغتشاش بدون کسب مجوز را ممنوع دانست. علیرغم سخنان رهبر انقلاب و امام جمعه تهران و برخلاف دستور وزیر کشور، صبح شنبه گروهی از افغانی های وابسته به حزب حرکت اسلامی افغانستان، که رهبر آمریکائی آن برهان الدین ربانی، تابستان اسال به دستبوس سادات رفته بود، در

حالیکه توسط مائوئیست های آمریکائی «رنجیر» سازمان داده شده بودند، از یلچوبی و تویخانه به حرکت درآمدند و در حالیکه می کوشیدند با ایجاد درگیری، خیابانها را به اغتشاش بکشند، به راهیهای پرداختند. پاسداران چندبار کوشیدند آنها را متوقف کنند، اما موفق نشدند و آنها برای خود ادامه دادند و خود را به سفارت اتحاد شوروی رسانیدند و داخل آن شدند. در این موقع پاسداران آنها را از سفارت بیرون کردند.

با آنچه که در آغاز یادآوری شد، نمیتوان تردید کرد که، با این عمل، دشمن به موفقیت نزدیک شده.

در حالیکه کشور ما در وضعی بسر میرود که امپریالیسم آمریکا هر آن درصدد ایجاد تشنج و درگیری است و در شرایطی که وزارت کشور رسماً هرگونه راهیهای را مشروع کرده است، انجام این راهیهای و کوشش برای ایجاد درگیری و اغتشاش، مستقیماً مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن ذهن مردم ایران از دشمن اصلی است. در حالیکه امروز آرامش برای ما لازمی از همه چیز است، این راهیهای تحریک آمیز، که اقدامی است در جهت اغتشاش و درگیری، یک خیانت است، جزئی است از یک توطئه خطرناک براندازی، که آمریکا علیه انقلاب ما تدارک می بیند.

در این روزها به نظر می‌رسد که لازم است بار دیگر مسئله استقلال مسئله آزادی، مفهوم هر یک از آنها، رابطه بین آنها، تشخیص عمده‌ترین آنها، تناسب نیرویی که برای کسب و تأمین هر یک از آنها باید به‌کار رود را مطرح کنیم، تا "فرشته" آزادی، باکتردن بالهای زیبای خود، نتواند انتظار خلق انقلابی ما را از استقلال، که عمده‌ترین هدف انقلاب آزادیبخش ماست، چنان به خود جلب کند که فتوری در مبارزه قاطع و بی‌گریبه خاطر استقلال رخ دهد. چون که در چنین صورتی، انقلاب پیروزند ما در معرض خطری جدی قرار می‌گیرد، و چنانچه انقلاب ما دچار شکست گردد، دوباره فقط از استقلال، بلکه از آزادی نیز، که دستاوردی عظیم و گرانبهاست، اثری بر جای نخواهد ماند.

مفهوم استقلال

مفهوم استقلال روشن است و دشمن استقلال مانع معلوم. مفهوم استقلال، یعنی رهائی از اسارت، یعنی عدم وابستگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی نظامی، مالی، فرهنگی و تمام دیگر شئون زندگی، یعنی کسب امکان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای آنها به‌سود ترقی همه‌جانبه مادی و معنوی خلق و کشور خودمان.

بدیهی است که این استقلال و مبارزه برای تحقق آن، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست، به معنای منزوی کردن کشور نیست، به معنای قطع رابطه با همه دیگر کشورها نیست، ما در این دنیا زندگی می‌کنیم و کشور ما در این دنیا قرار گرفته است و بنابراین، رابطه ما با دیگر خلق‌ها و با دیگر کشورها، نه فقط امری است، محتوم، بلکه ضروری و ضرور برای این که ما بتوانیم نیازمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف برای رشد و روزگار کشور خود برآورده سازیم و در عوض نیازمندی‌های دیگران را در حدود امکانات خود برطرف کنیم.

ولی در برقراری این مناسبات، اولاً ما خود باید راساً و فارغ از هرگونه نفوذ و یا فشار غرض‌آلودی، تصمیم بگیریم، و ثانیاً این مناسبات باید بر مبنای احترام بی‌خشنده متقابل به حق حاکمیت ملی، بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار شود. چنین است مفهوم استقلال. دشمن استقلال ما، و نه فقط ما، دشمن استقلال تمام خلق‌ها و کشورهای جهان نیز معلوم است. این دشمن، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. امپریالیسم مرحله‌عالی‌رشد سرمایه‌داری، مرحله سرمایه‌داری انحصارگر و در نتیجه مرحله‌حداعالی غارتگری و بهره‌کشی از زحمتکشان "خودی" و حد‌اعلای آزمندی و حرص در چپاول ثروت طبیعی و دسترنج خلق‌های دیگر، حداعالی ستعگری و تجاوزگری، حداعالی طفیلی‌گری مادی و فساد معنوی و اخلاقی است، و لذا این سرمایه‌داری امپریالیستی، بدون

غارتگری، سلطه جوئی، اسارت دیگر خلق‌ها، نظام‌گیری و تشنج آفرینی و جنگ افروزی و جنگ طلبی نمی‌تواند به حیات رو به زوال و انحطاط خود، به زندگی بحران زده خود ادامه دهد. از بین کشورهای امپریالیستی، ایالات متحده آمریکا تواناترین آنها و لذا غارتگرترین و جنایتکارترین آنهاست؛ که به زاندارم بین‌المللی معروف شده، و به درستی معروف شده، زیرا این دولت غدار و هار و جهان‌خوار امپریالیستی، با گماشتن دست نشانده‌گان فرمانبردار خود در راس حکومتها و با مستقیماً یا قوه قهریه همه جای دنیا را می‌خواهد زیر سلطه خود درآورد و همه را به زنجیر بکشد و همه را تا آخرین رمق بجاید. امپریالیسم دشمن خلق و کشور ماست، که ما با تجربه تلخ دوران حکومت دست نشانده استبداد رضا خانی به سرکردگی انگلستان، و سپس در دوران

حکومتی نوع فاشیستی نیز وجود دارد، منتها برای آن طبقه‌حاکم‌های کازا دیها را به انحصار خود درآورده و آنها را از دیگر طبقات سلب کرده است. در حکومت "آریسمه‌ری"، که یکی از خشن‌ترین حکومت‌های پلیسی - نظامی بود، نیز سرمایه‌داران بزرگ وابسته و بزرگ مالکان از حد اکثر آزادی بهره‌مند بودند. آنها آزادانه زحمتکشان را با خشونت استثمار می‌کردند، آزادانه به تروت کشور را می‌چاپیدند، آزادانه به تنوع - آفرین و کشف‌ترین نوع عیاشی‌های محله‌های بدنام اروپای غربی و آمریکا مشغول بودند، آزادانه مجلس قلابی، حزب قلابی، سندیکای قلابی، مطبوعات شاکو و دروغ پرداز، تبلیغات مبتذل ضد کمونیستی به راه می‌انداختند. در آن کشورهای سرمایه‌داری، که حکومت‌های به اصطلاح دمکراتیک دارند نیز، البته نه به این خشنوت و فسادت، ولی در

استقلال و آزادی

حکومت دست نشانده استبدادی "آریا-مهری" به سرکردگی آمریکا، آن را شناخته‌ایم، و چنان شناخته‌ایم که هیچ شاطه‌گری نمی‌تواند چهره کریه و مخوف او را از نظر خلق غارت شده و زجر کشیده، بپوشاند.

مفهوم آزادی

و اما مفهوم آزادی چیست؟ برای بیان مفهوم آزادی، قبل از هر چیز باید آنرا از مفهوم "هرج و مرج" جدا کرد. اگر کسی به نام "آزادی" شمشب در کوچه عربده‌بگردد، از دیوار خانه دیگران بالا برود، این را در عرض تهمت و افترا قرار دهد، به دفتر این یا آن روزنامه حمله‌برد و آن را زیر و زبر کند، البته او آزادیخواه نیست، هرج و مرج طلب است.

ولی آزادی همواره به مفهوم آزادی مطلق، یعنی به معنای هرج و مرج همکار نمی‌رود. مفهوم آزادی در فرهنگ سیاسی متداول به معنای آزادی‌های دمکراتیک، به معنای آزادی‌های فردی و اجتماعی در محدوده قانون، به معنای آزادی در داشتن عقیده‌مویان عقیده، آزادی اجتماعات، احزاب سیاسی، سندیکاهای صنعتی، قلم و مطبوعات، انتخابات و امثال اینهاست.

در مورد این آزادیها، که به روزروازی عموماً و بورژوازی لیبرال (از جمله در کشور ما) خصوصاً، آن را به عنوان "دموکراسی" عرضه می‌دارد، در نکته مهم گفتنی است: نکته اول اینکه: این آزادیها در جوامع طبقاتی، ضمون طبقاتی دارد. این آزادیها در خشن‌ترین نظام‌های

استقلال و آزادی

هر حال این آزادی‌ها به کمک اهرم‌های قدرت حاکمه و دستگاه عظیم تبلیغاتی و پلیسی و قضائی و سیستم انتخاباتی و غیره، عملاً مورد بهره‌برداری طبقه حاکمه‌است و برای طبقات محکوم در عمل و با شیوه "بریدن سر با پنبه"، آزادی به حدی محدود و متله می‌شود که به "گاو و گوسفند" طبقه حاکمه‌گرندی بنیادی وارد نیارود. تازه همین آزادی محدود را هم طبقات زحمتکشان با مبارزه طولانی و به زور از طبقات حاکمه‌گرفته‌اند. به همین دلیل این آزادی‌های دمکراتیک، هر قدر هم محدود و متله شده باشند، برای طبقات محکوم، طبقات زحمتکشان دارای ارزش هستند و به همین دلیل زحمتکشان و احزاب سیاسی طبقات زحمتکشان برای گسترش آنها، توسعه چارچوب آنها، شکستن محدودیت‌های آنها، پیگیر و مداوم مبارزه می‌کنند. زیرا می‌دانند که گرچه حکومت‌های نوع فاشیستی با حکومت‌های نوع "دمکراتیک" در کشورهای سرمایه‌داری، هر دو، از لحاظ ضمون، دیکتاتوری طبقه سرمایه‌دار حاکم - است، ولی بر خلاف حکومت‌های نوع فاشیستی، که هر نوع مبارزه را در برابر خود تحول مترقی جامعه سد می‌کند، در حکومت‌های نوع "دمکراتیک"، راهی، هر چند باریک و پرستلاخ، و روزنه‌ای، هر چند تنگ و کم نور، باز است و از این روزنه می‌توان تنفسی کرد و از آن کورمراه، گریخت.

محتوای انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران و جنبه اصلی نبرد برای دسترسی به اهداف آن

انقلاب بزرگ و شکوهمند کشور ما، که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، با جهش انفجاری گویا خلق انجام گرفت و در جهت دست نشانده‌سفاک شاه ملعون را واژگون ساخت، دارای محتوای ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی بود، یعنی هدفش تأمین استقلال کشور، تأمین آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک تأمین زمینه نوسازی کشور به سود خلق زحمتکشان بود و هست. واژگون ساختن رژیم جاکم استبداد مطلقه، که به درستی نخستین مرحله پیروزی ارزیابی شد، در واقع شکستن سد برای دسترسی به هدف اصلی انقلاب، یعنی ایجاد امکان برای انجام "انقلابی بزرگ‌تر" است. انقلاب اول "برای کندن ریشه" نفوذ استارتگر امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای دسترسی به استقلال، پس در ارزیابی اولویت هدف‌هایی که انقلاب باید به آنها برسد، باید استقلال را هدف اول، آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را هدف دوم، نوسازی کشور به سود زحمتکشان را هدف سوم بدانیم. البته این نحوه شماره‌گذاری اولویت‌ها، به این معنی نیست که ما باید اول استقلال را بر دست آوریم، سپس آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را تأمین کنیم و پس از آن بر داریم به نوسازی کشور. مبارزه برای دسترسی به این هر سه هدف، جدا از یکدیگر نیست، توأم با یکدیگر است و باید باشد زیرا آنها هم‌مقوی یکدیگرند. به سخن دیگر، اگر مبارزه در راه رسیدن به هر یک از اهداف سه گانه است و یا تأخیر شود، به مبارزه در راه دوهف دیگر نیز لطمه می‌زند. در عین حال، این مطلب اساسی و کلیدی را باید متوجه بود که، در این مبارزه، انقلابی برای دسترسی به هر سه هدف، عمده‌فویا باید در جنبه نبرد اصلی بکار رود، و این جنبه نبرد اصلی - جنبه نبرد ضد امپریالیستی، جنبه نبرد برای کسب استقلال است. زیرا دشمن اصلی انقلاب و خلق و کشور ما، امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، است. و ما اگر در این جنبه اصلی شکست بخوریم، هم دوباره استقلال خود را از دست می‌دهیم و زیر سلطه امپریالیسم قرار می‌گیریم. هم آزادی‌ها و حقوق دمکراتیکی که برای خلق کسب کرده‌ایم، بر باد می‌رود و هم بدیهی است که کمترین امکانی برای

نوسازی کشور به سود خلق باقی نخواهد ماند. مطلب را از دیدگاه دشمن - امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا - بررسی کنیم. تا روشن‌تر شود: هدف آمریکا - دشمن اصلی انقلاب ما، کدام است؟ آمریکا می‌خواهد استقلال را از ما باز پس گیرد. می‌خواهد دوباره سلطه خود را در کشور ما برقرار کند. آمریکا برای نیل به این هدف، همه امکانات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، همه نیروها و توطئه‌ها را بکار بسته و بکار خواهد بست. آمریکا برای رسیدن به این هدف، اگر نتواند یک رژیم نوع "آریسمه‌ری" برقرار کند، حاضر است حکومتی ظاهراً "دمکراتیک"، ولی در خدمت سلطه غارتگرانه‌اش به‌روزی کار آورد. مگر فراموش کار نیاشیم، می‌توانیم به‌یاد آوریم که به هنگام فتح انقلاب، آنگاه که خطر سقوط رژیم شاه ملعون محسوس شده بود، آمریکا وعده "فضای باز" می‌داد و بختیار - این توکر بی‌اختیاریش، می‌گفت که می‌خواهد در ایران "سوسیال دمکراسی" برقرار کند! یعنی آمریکا، که در عین حال در کار تهیه کودتای خونینی بود، این امکان را نیز می‌خواست - در صورت عدم امکان شکستن قهر امپریالیسم - برای خود محفوظ نگاه دارد که یک حکومت ظاهراً "دمکراتیک"، ولی طرفدار سلطه آمریکا در ایران به‌روزی کار آورد و از این طریق انقلاب را بشکند. امید آمریکا به اجرای این نقشه، از وجود آن قشری از بورژوازی ایران ناشی بود که با استبداد مطلقه مخالف بود، ولی با وابستگی ایران مخالف نبود. این قشر بورژوازی، که همان بورژوازی لیبرال است، با حکومت استبداد مطلقه از این جهت مخالف بود، که رژیم شاه "عدالت" را در تقسیم غارت رعایت نمی‌کرد. هر چه ثروت و حاصل بهره‌کشی از زحمتکشان بود، به استقیما به انحصارات امپریالیستی و پیاپی شرکتها، برانی آنها - سرمایه‌داران بزرگ و وابسته بزرگ مالکان می‌داد. کهدر راس آنها دربار پهلوی قرار داشت، بورژوازی لیبرال "آزادی" می‌خواست، برای خودش و نه برای مردم، نه برای خلق زحمتکشان، "آزادی" می‌خواست برای رشد خودش، بهره‌کشی بیشتر، بر داشت سهم بیشتری از آن چه که انحصارات امپریالیستی در ایران، سرمایه‌داران وابسته بزرگ مالکان در شرکتها با یکدیگر چپاول می‌کردند. این بود که بورژوازی لیبرال "آزادی‌خواه"، در جریان مبارزه‌ای که رو به تشدید می‌رفت، ابتدا خواستار تاهی "عدالت" بود - بعد خواستار تعدد "شاه سلطنت کند و نه حکومت"، بعد خواستار اجرای وعده "فضای باز" سیاسی شد، و چون همواره امواج انقلاب طوفانده، خروشان‌تر می‌شد، انقلاب به مرحله‌ای پیشرفته‌تر گذرد که، طبق آن، "گام به گام" حکومت از شاه به شورای سلطنتی، بعد به ولیعهد برسد و بعد به انتخاباتی و مجلس مؤسسانی، رژیم جمهوری بجای سلطنت برقرار شود و بعد... خلاصه آتش همان آتش باشد، منتها در کاسه "دمکراتیک"، که بورژوازی لیبرال نیز نتواند از آن چمچمای درخور اشتهاش بردارد. ولی قیام انقلابی خلق، با شرکت همه نیروهای راستین انقلابی، به رهبری قاطعانه و مدبرانه امام خمینی، با قربانی دادن ۷۰ هزار تن از بهترین فرزندان خلق، به پیروزی رسید و سلطنت استبدادی را به زوال رسانید و استبداد و نقشه آمریکا و بورژوازی لیبرال را عقیم گذاشت. بعد از پیروزی انقلاب نیز بورژوازی لیبرال "آزادی‌خواه"، از یک سو کوشید آزادی‌هایی که انقلاب پیروزمند به بار آورده بود، به خود منحصر کند، یعنی فقط آزادی را برای احزاب بورژوازی مجاز بداند، آن احزاب و سازمان‌هایی را، که از منافع توده‌های خلق زحمتکشان دفاع می‌کردند، از آزادی محروم کند، از جمله "توانین" دوران شاه سفاک و وطن فروش رانست به حزب توده ایران باقی‌وجاری بداند، از پیدایش دیگر احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع مستضعفان جلوگیری کند، و از سوی دیگر وابستگی را به دلیل وابستگی، حفظ کند. ضد انقلاب را از بقیه در صفحه ۶



شیطان بزرگ آمریکا و شیاطین کوچک در منطقه و مزدوران آنان در داخل ایران در کمینند، علیه آنان متحد شویم!

نفتگران: این رگهای پر خون انقلاب

درد بر کارگر نفت ما مدافع دلیر و سوسخت ما

کشف منابع عظیم نفتی در ایران، که دارای اهمیت عظیم اقتصادی، نظامی و استراتژیک است، توجه امپریالیست ها را به خود جلب کرده تا با بهره برداری از آن به مقاصد شوم و استعمارگرانه خود دست یابند. به همین دلیل امپریالیست ها کشور ما را به یکی از بزرگ ترین منابع غارت خود تبدیل کردند و برای حفظ و ادامه این غارت، انواع فشارها و تهمینات را بر کارگران میهن مان وارد حلقه و به ویژه کارگران نفت وارد آوردند. کارگران نیز برای مقابله با امپریالیست ها و اعمال فشار آن ها و برای بدست آوردن استقلال کشور به مبارزه پرداختند.

در سال ۱۳۵۸، کارگران نفت اولین اعتصاب بزرگ کارگری را، که حملت ضد امپریالیستی داشت، به راه انداختند. در سال ۱۳۲۵، نفتگران از پیشکامان جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بودند، که علاوه بر خواست های صنفی، خواست های سیاسی را نیز علیه شرکت غاصب انگلیسی نفت مطرح کردند. اعتصاب اواخر سال ۱۳۲۹ و اوایل سال ۱۳۳۰، نفتگران جنوب عامل بزرگی در تصویب قانون ملی شدن نفت و سپردن زمام دولت به دست محمد مصدق بود.

بعد از کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز این مبارزه ادامه یافت که به طور عمده می توان از اعتصابات کارگران نفت در سال های ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۲۰ روزه سال ۱۳۵۲ و بالاخره اعتصاب بزرگ سال ۱۳۵۷، که نقش تعیین کننده را در سرنگونی رژیم شاهملعون ایفا کرد، نام برد. نفتگران قهرمان دست یابی به حقوق اولیه خویش را نیز همواره در گرو پیروزی در جنبه های سیاسی با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا - دانستند و هر جا که پای انتخاب به میان آمده، مطالبات صنفی خود را جندی رها کرده و بیگانه علیه امپریالیسم را با تمام وجود و همه نیروی خویش دنبال کرده اند.

امروز نیز دفاع از انقلاب اصل حرکت است. دفاع از انقلاب نیز به معنای خنثی کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی است. توطئه ها اشکال و ابعاد گوناگون دارند و هم اکنون از حلقه در جنبه غرب و جنوب غربی، در قالب تجاوز آمریکایی رژیم صدام به میهن ما جلوه گر شده اند.

طبقه کارگر، به ویژه نفتگران، در حال حاضر درگیر این جنگ مرکز زندگی شده اند و از تلفات،

هنوز دست راست، در خدمت انقلاب است!



نعمتاله محمدیان

"... ما موریت یافتیم که نان و آذوقه از دهات رامهرمز تهیه کرده و به جبهه اهواز برسانیم." در گرماگرم انجام وظیفه انقلابی حادثه او را دربرود... نعمت در کارخانه لوله سازی اهواز کار می کند و اکنون دست چپ او قطع شده است!

کارگران صنعت نفت

ضایعات و عواقب مصیبت بار آن بیمی ندارند. این فرمان انقلاب است و بهترین فرزندان انقلاب آماده فداکاری تا حد ایثار جان برای دفاع از انقلاب اند.

نفتگران: چشم پیدار انقلاب

در شرایط کنونی، که دار و دسته جنایتکار

پدر سیزده فرزند و یاور انقلاب



کریم طهماسبی

کارگر ۵۱ ساله شرکت ملی پخش در آبادان، دارای سیزده فرزند:

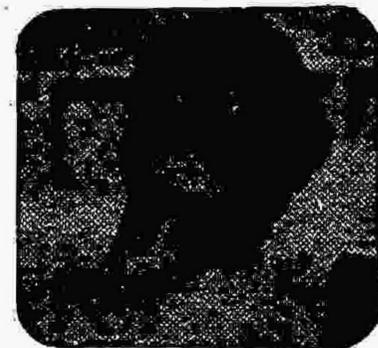
سوار بر دوچرخه سر کایم می روم، که مورد اصابت خمپاره واقع شدم.

اگر دشمنان انقلاب او را هلاک کنند، سیزده فرزندش جای او را خواهند گرفت!

صدام حسین علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد جنگ شده و دست به تجاوز زده است. کارگران صنعت نفت در کنار دیگر کارگران و پیشاپیش صفوف رزمندگان میهن مان آمادگی خود را برای دفع این تجاوز و مقابله با آن اعلام کرده اند و با تمام وجود کتک های پدیدریخ خود را به جبهه فرستاده اند و فعلا نه در جنگ شرکت می کنند.

کارگران در سراسر کشور با تشکیل کمیته های دفاع و اعزام داوطلبین و منقضی خدمت های ۵۶، چون دیگر مردم میهن مان، فعلا نه در صفوف اول جبهه به نبرد با دشمن متجاوز مشغولند، تاکنون بسیاری از آن ها شهید و گروه کثیری زخمی شده اند. نفتگران در پشت جبهه از کار باز نایستاده اند.

در راه دفاع از پالایشگاه آبادان



محمد میرحاجی روزنه

"۳۵ سال است که در صنعت نفت کار می کنم... در تاریخ ۲۲ مهر ماه... مشغول ترمیم خرابی های ناشی از بمباران هوایی پالایشگاه آبادان بودیم. ناگهان حملات هوایی شروع شد. به چشم خود دیدم که تعدادی از همکارانم در اثر رگبار مسلسل ها به زمین دوخته شدند..."

و مدافع از انقلاب برخاسته اند. در تاریخ ۵۹/۹/۱۱ جلسه ای از طرف اداره تدارکات و کالای شرکت ملی نفت با حضور نمایندگان کارگران پخش و خطوط لوله، نفت تهران و سایر شهرستان ها تشکیل شد. در حالی که نمایندگان از موضوع جلسه اطلاعی نداشتند!

مسئولین تدارکات و کالا موضوع جلسه را در مورد لباس کارگران اعلام کردند و چند نوع پارچه را به کارگران عرضه داشتند و گفتند که مسئولان برای خرید هفتاد هزار متر پارچه جهت تهیه لباس کارگران، با شرکت های بافنده تماس گرفته و آن را به مناقصه گذاشته اند و تمام کارها نیز انجام گرفته است.

نمایندگان کارگران با متناقض آراء گفتند که در شرایط جنگ احتمالی امپریالیسم آمریکا با ایران، لباس نمی خواهند و مسئولیت این موضوع، که بدون اطلاع و مشورت کارگران صورت گرفته، با خود مسئولین خواهد بود.

یکی از نمایندگان در این مورد گفت: "آن ها (مسئولین) می خواهند بگویند که کارگران در اوضاع کنونی خواست هایی دارند و به ما فشار می آورند. به همین دلیل ما کارگران با اتفاق گفتیم که فعلا لباس نمی خواهیم." کارگران همچنین از خواست های خود در این شرایط حرفی به میان نیاوردند و آن را به عمد موقوف کردند.

نفتگران و چشم پوشی از خواست های شرایط جنگ

وزارت نفت طی بخشنامه ای شکر را از جیره خواروبار کارگران حذف کرد. این بخش نامه مورد اعتراض نفتگران قرار گرفت. از جمله هیئت مدیره سندیکای خطوط لوله و مخابرات نفتی - طی نامه ای خطاب به مدیر پخش و خطوط لوله و مخابرات، در این زمینه نظر خود را چنین اعلام کرد:

"بر طبق بخشنامه اخیر که از طرف وزارت صادر گردید (مبنی بر لغو شکر از جیره خواروبار کارگران) به استحضار می رساند که ما کارگران با گوشت و پوست و خون خود از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع کرده و در راه تداوم انقلاب بزرگ مان و جنگ سرنوشته ساز ما دشمن متجاوز، صدام آمریکا، از هیچ گونه از خودگذشتگی و فداکاری دریغ نمی ورزیم.

ولی طبق جلسات مختلفی که با مسئولین در صنعت نفت داشتیم، ما کار را خواستیم مساعی

تا واپسین لحظه، تا آخرین قطره خون



اسداله اساطعی

"کارگر قسمت تعمیرات اداره حمل و نقل پالایشگاه آبادان هستم. در تاریخ سوم آبان مشغول انجام وظیفه بودم که ترکش خمپاره..."

را که مربوط به کارگران است با نمایندگان آن هادر جریان بگذارند و موافقت نیز شد. ولی اخیرا بخش نامه ای از طرف وزارت نفت صادر گردیده است که بدون کوچکترین اطلاع ما نمایندگان می باشد. و این خود به عناصر فرصت طلب و ستون پنجم دشمن امکان می دهد که بتواند از این مسائل علیه انقلاب استفاده کند و تبلیغات ناصواب خود را به جمع زحمتکشان شریف در صنعت برده و برای نمونه تبلیغ نماید که وزارت خانه های ماهر و اصلاح شده و به شوه طاعونی عمل می کند و کارگران را در مهائل مربوط به خود شرکت نمی دهند و هنوز تصمیمات پشت درهای بسته اتخاذ می شود.

در راه بقاء پالایشگاه تبریز هر دو پایش را از دست داد



مهندس خسرو یعقوب آذری

"بعد از اینکه پالایشگاه تبریز برای دومین بار بمباران شد، طی جلسه ای قرار بر این شد که به منظور جلوگیری از کمبود مواد سوختی و همچنین تهیه مقداری بنزین هواپیما، پالایشگاه دوباره شروع بکار کند و این مسئولیت به عهد من واگذار شد. با کمک همکاران همه کارها به سرعت آغاز شد و به جریان افتاد.

بر روی نقشه ای که مربوط به کنترل برق بود، کاری کردم. صدای انفجاری بگوشت رسید، کمبل فاصله بزرگی زمین خوابیدم، ولی با انفجاری بعدی خودم را روی هوا دیدم و ۵، ۶ متر آن طرف تر با صورت به زمین خوردم و هر دو پایم قطع شد."

لذا ما ضمن اعتراض به بخش نامه اخیر از مسئولین در صنعت نفت می خواهیم که قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی در رابطه با مسائل کارگری، با نمایندگان قانونی آن ها همکاری نمایند. در ضمن ما خواستاریم بخش نامه اخیر به صورتی تنظیم گردد که لغو شکر از جیره خواروبار، که از حقوق بقیه در صنعت

از خط لوله شاهرود تا خط اول جیبه



محمد رضا تقی تهرانی

کارگر خط لوله شاهرود، داوطلبانه به جبهه غروب رفت. در یک عملیات تهاجمی، ضمن تعقیب دشمن، بر اثر انفجار مین زخمی شد و اکنون در آزادی بهبودی و بازگشت به جبهه. دشمن در برابر این کوه های مقاومت چشمتیغ و زیون است!

کارگران صنعت نفت با ازجان گذشتگی و فعالیت پر لمر خود در مناطق جنگ زده و زیر بمباران تجاوزگران صدامی، برای دفاع از میهن انقلابی و حفظ جمهوری اسلامی ایران، به باز سازی و نوسازی خرابیها می پردازند و هر چه را که در توان دارند، در جیبه و پشت جیبه به کمک می گیرند.

کارگران نفتگر نمونه های شگوفان طبقه کارگر در مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند، که با آگاهی سیاسی خود توطئه های شیطان بزرگ - آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش را درهم می کوبند.

ادامه کار هیئت های هفت نفری

علیرغم همه توطئه ها، مشکلات، تضییقات و اعمال فشارها

انجام اصلاحات ارضی به طور کامل و قاطع - تا نابودی بزرگ مالکسی و زمین دار شدن همه دهقانان تهیدست - مسئله ای حیاتی است. اینک دیگر کسی نیست که اهمیت آن را برای اجبار و سرنوشت انقلاب درک نکند. اگر کسی مخالف انقلاب باشد، آرزومند است که اصلاحات ارضی انجام نشود، تا بزرگ مالکی، این دمل چرکین طاغوت و وابستگی و فساد باقی بماند، زمین به دهقانان واگذار نشود؛ تا این میلیون ها نفر امیدهای خود را با درفته ببینند و ناراضی و دل سرد شوند و انقلاب یکپایه عظیم مردمی خود را از دست بدهد. اما آن کسی که موافق انقلاب است، آرزومند است که هر چه مطلق تر و زودتر این عمل انقلابی به سرانجام پیروزمند خود برسد و دست تبهکار و غارتگر اربابان و زمینداران بزرگ از جان دهقان و دهاتی ها و کشاورزی کوتاه شود، تا استقلال و سلامت کشور حفظ شود و از درون گزند پذیر نشود، حق به حق دار برسد و این میلیون ها مستضعفی که حاضرند در راه انقلاب جان دهند و عملاً در راه دفاع از جمهوری اسلامی ایران خون می دهند، انتظارات خوبی را از انقلاب برآورده ببینند.

به همین جهت است که مسئله حیاتی و سرنوشت ساز واگذاری زمین به دهقانان اینک دیگر به هیچ وجه منحصر به خود دهقانان و یارانشان اندر کار اقتصاد کشاورزی میهن انقلابی ما نیست، بلکه مسئله ای است اساسی از مسائل بزرگ انقلاب ایران و مورد توجه کلیه انقلابیون. به همین جهت است که ادامه کار و فعالیت هیئت های ۷ نفری، که مأمور اجرای قانون هستند، این همه مورد نظر انقلابیون و این همه مورد بغض و کینه ضد انقلابیون، مالکان بزرگ، لبرال ها و روحانی نمایان ضد خط امام است.

اعلام تعویق موقتی "بندج" قانون مصوب شورای انقلاب، که نقطه گری و حلقه اساسی قانون ناظر به از بین رفتن بزرگ مالکی است، برای انقلابیون اگرچه مایه تاسف شد، ولی روشن بوده و هست که شرایط اضطراری زمان جنگ و توجه به کشت سال جاری موجب گردید، تا یورش عظیم و همه جانبه بزرگ مالکان و وابستگان آنها - چه روحانی نمایان ضد خط امام و چه لبرال های ضد خط امام - به نتیجه "تعویق موقتی" منجر گردد. اصلاحات ارضی را دچار نشیبی گذرا سازد و این عقب نشینی موقت را باعث می شود. ولی اگر بزرگ مالکان و عمال آنها فکر می کنند که دیگر در نبرد پیروز شده اند و انقلابیون را به تسلیم واداشته اند، باید صاف و ساده گفت که کور خودمانند، در شورای ایران که پیش می رود علیرغم دشواری های که شیطان بزرگ بر سر راه آن ایجاد می کند (جنگ تجاوزکارانه، محاصره اقتصادی، کمبود و شیطانی های کوچک از آن استفاده می کنند (بزرگ مالکان، واسطه ها، محکرمین، سرمایه داران زالوصفت) - بالاخره سدها شکسته خواهد شد. سده بزرگ مالکی نیز بدون تردید و قاطعانه از بین خواهد رفت و راه اصلاحات ارضی بجزودی، فراز حیات بخش خود را باز خواهد یافت.

"مانه طرفدار فتودال هستیم نه هوادار سرمایه دارها" - این گفته امام خمینی سدهای موجود و موضع انقلاب و بیروان خط امام را در برابران نشان می دهد. بیپرده از باطن تلاش می کند، به قول معروف، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و انقلاب را به بیراهه ببرد، تا آنرا به منجلاب نابودی بکشانند. توفیق ما بر این شرایط اضطراری فائق خواهیم آمد و دوران گذرای نشیب و تعویق موقت پایان خواهد

یافت، بلکه هم اکنون نیز اولاً در همه جا باید بگوئیم "مناطق مساعد" را برای ادامه کار هیئت هفت نفری بیابیم. ثانیاً هیئت ها نه فقط در موارد بند های "الف" و "ب" باید کاملاً فعال باشند، بلکه اثبات این امر که اراضی بزرگ مالکی غالباً غصبی است و اسناد مالکیت تقلبی است و املاک تصرف عدوانی است و بنابراین می تواند و باید فوراً مشمول واگذاری قرار گیرد، از وظایف انقلابی هیئت ها است. ثالثاً هیئت ها وظیفه مقدس و بسیار فوری سازمان دادن کشت سال جاری را دارند و بنابراین تمام زمین های اربابی سند دار (!) ولی بیسر گذاشته شده، یا زیر کشت برده نشده، یا تصدای همزمان نا کافی کشت شده برای ظاهر سازی بذریاشتی سطحی و کم شده را، باید کشف کنند و کلیه آنها را زهم اکنون مشمول قانون قرار دهند. رابط در تمام مناطقی که اربابان زد و خورد و تشنج می آفرینند رسمی خواهد شد کانون و خامت و نا آرامی و ناراضی ایجاد کنند، دست هیئت های برای جلوگیری از این اقدامات آشکارا ضد انقلابی باز خواهد بود و زمین ها می تواند فوراً مشمول قانون واگذاری واقع شود.

بنابراین حتی قبل از این که تعویق موقتی "بندج" پایان پذیرد و برای آخرین ریشه کنی قطعی این لای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، که بزرگ مالکی است، راه هموار شود، هیئت ۷ نفری همچنان و هم اکنون دارای میدان وسیع عمل است. ما تردید نداریم که اکثریت مطلق و غالب زمین های اربابی از هم اکنون می تواند شامل این موارد شود. ما تردید نداریم که هیئت ها می توانند همچنان فعال و موثر عمل کنند و کمترین سستی و فتوری در کارشان راه نیابد. ما تردید نداریم که دهقانان حتی در این شرایط جنگی - که همان جوانان خود و نان سفر خود را در راه جمهوری و انقلاب فدا می کنند، می توانند به عیان ببینند که امید آنها واقعی نیست و انقلاب به فکر آنها هست و هیئت های هفت نفری به سود آنها در تلاشند، اگرچه تشبثات لبرال ها و روحانی نمایان ریزه خوار بزرگ مالکان، مشکلات موقتی بر سر راه انجام وظیفه بزرگ آنها ایجاد کرده است.

این اعتماد و امید بی پایه نیست. همین اخیراً که عمال چپ نمای فتودال ها و ضد انقلابیون آمریکایی ملحد در کردستان، سه تن از برادران هیئت هفت نفری در (همراه دو تن از برادران جهاد سازندگی) دستگیر کردند و به گروگان بردند، ستاد مرکزی واگذاری زمین، که رهبری همه هیئت ها را به عهده دارد، اعلامیه ای صادر کرد (۲۴ آذرماه ۵۹) و در آن با قدرت تمام اعلام کرده که:

"علیرغم همه توطئه ها، واگذاری زمین با قاطعیت ادامه می یابد." ستاد نتیجه کار و فعالیت هیئت هفت نفری را به درستی "رهایی از جنگال استثمار و فقر و عقب ماندگی اقتصادی" ارزیابی کرد؛ اعضای هیئت ها را به درستی "حامیان مستضعفین و روستائیان خاکنشین و خادمان مردم مستضعف" نام نهاد؛ عمل آن ها را "واگذاری عادلانه و اسلامی زمین و تحقق یکی از اصول ترین خواست های مردم" و عمل مخالفان را "ضد انقلابی و دفاع از منافع آمریکا" توصیف کرد. مردم انقلابی ایران و دهقانان، که صحت این ارزیابی ها را در عمل و با تجربه خود دریافته اند، هیئت های هفت نفری را یکی از نهادهای مهم و موثر انقلابی می شنند. مردم میخواهند که از فقر و عقب ماندگی و استثمار رهایی یابند، تا انقلاب و استعمار مردم میخواهند که تشبثات محافل حافظ بزرگ مالکی، که برابر با ضد انقلاب و دفاع از آمریکاست، عقیم بماند، تا یکی از اصول ترین خواست

هایشان تحقق پذیرد. به همین علت مردم انقلابی ما مصرا نه خواستار ادامه فعالیت هیئت ها و پایان یافتن هر چه زودتر دوره تخلیق موقتی "بندج" هستند و مسلماً باین سند مهم ستاد واگذاری زمین درود می فرستند. اعلامیه ستاد مرکزی واگذاری زمین با این جملات پایان می پذیرد:

"ستاد مرکزی واگذاری زمین، که بهیاری خداوند مجری قانون واگذاری زمین است، کارشروع و قانونی خود را ادامه داده و مطیع فرمان امام است و این گروگان گیری ابلهانه همانند بقیه مشکلات و تضییقات نمی تواند در اراده این خادمان مردم مستضعف خللی وارد نماید و ما را در حقانیت کارمان و اجرای قسط اسلامی ثابت قدم تر خواهد نمود." جا دارد که دستگاه های تبلیغاتی این موضع گیری را وسیعاً به اطلاع همه مردم، بویژه دهقانان برسانند. این سند نمونه ای است از موضع درست و انقلابی در برابر اعمال ضد انقلابی و مشکلات و تضییقات ناشی از اعمال فشارها. این اعلامیه در زمین به همه اعضای شریف هیئت ها هشدار می دهد که مایوس نشوند و چه با خالی نکنند و بدانند که در نبرد حق و باطل سنگر حساسی در اختیار آنها است. پس اسلحه را زمین نگذارند و تسلیم هیاهو و جنجال بزرگ مالکان و تبلیغات دروغین آنها نشوند. جقدر درست، با صلابت و قاطع عکس العمل کرده است هیئت هفت نفری واگذاری زمین در استان زنجان که می تواند نمونه ای برای همه اعضای فدakar و انقلابی هیئت ها در سراسر کشور باشد. این هیئت ها با صدور اعلامیه ای که در ۲۵ آذر منتشر شد، ضمن "محکوم کردن عمل گروگان گیری توسط فتودال های منطقه در کردستان" همچنین اعلام کرد:

"ستون پنجم آمریکا با این گونه اعمال خائنانه، خان ها نمی توانند جلو پیشرفت انقلاب و پیاده کردن لایحه انقلابی واگذاری زمین را، که به نفع کشاورزان زحمتکش است، بگیرد، بلکه با این عمل ما را نسبت به اهداف اسلامی مان پادار و سواستوار کرده و چهره کزیه ضدانقلابی خود را بیشتر آشکار می سازد."

آری، هیچ نیرویی نمی تواند جلوی پیاده کردن لایحه را بگیرد و ضد انقلابی ها و ستون پنجم آمریکا، اربابان و عمالشان، هیچ غلطی نمی توانند بکنند. در واقع هم بزرگ مالکان از اعلام تعویق موقتی سوءاستفاده کردند، پیرو بال گرفتند و خواستند که خود را فاتح نبرد جلوه دهند. منظور آن ها این بود که نه فقط دهقانان را ناراضی و ناامید کنند، بلکه اعضای هیئت ها را هم مایوس و دل سرد کنند و هیئت ها را از هم بپاشند و منحل کنند.

آنها حتی شایعه راه انداخته اند که رهبر انقلاب، فقهای پیرو خط امام، ستاد زمین و مسئولان اصلاحات ارضی خودشان از اجرای قانون صرف نظر کرده اند و گویا سیاست "تعمیر کرده و تسلیم شده اند. اربابان و سخنگویان آنها کوشیدند که اعمال فشارها و یورش همه جانبه را زیر پرده بگذارند، تا عده ای روند واقع را درک نکنند و در تحلیل اشتباه کنند و در تشخیص مقصر و بانی و مبتکر به خطا روند.

اما این تشبث نیز مفید واقع نشد. مثلاً مردم شیراز، که در آنجا مخالفت برخی مقامات روحانی با اصلاحات ارضی و "بندج" و فشار فتودال ها و خوانین کاملاً آشکار بود و برخورد بین روحانیت پهلوی خط امام با این مقامات برکسی پوشیده نبود، طی تظاهرات و راهپیمایی جمعه ۲۱ آذر ۵۹ نشان دادند که به کینه و قایع بی برده اند و فریب آن شرگرد را نیز

حکومت فتودال ها در روستای بنار سلیمانی و نقش شورای ده در دفاع از دهقانان

روستای بنار سلیمانی در ۲۵ کیلومتری شهرستان برازجان واقع است. جمعیت این روستا ۷۰۰ نفر است، که بیشتر آن ها کشاورز هستند و به صورت روزمزد روی زمین های فتودال ها کار می کنند.

در این روستا عده کمی صاحب زمین هستند، که به علت ناساعد بودن وضع کشاورزی، بهره جندانی از کار خود نمی برند. با وجود گذشت حدود ۲ سال از پیروزی انقلاب، با کمال تاسف در این روستا هنوز هم حکومت خان خانی برقرار است. این روابط ظالمانه قبل از انقلاب با شدت بیشتری حاکم بود که بر اثر انقلاب اندکی تعدیل شد. اما به دلیل مسائل حل نشده ارضی تاکنون چندین بار در این روستا درگیری بوجود آمده است. در حال حاضر بیشتر زمین های قابل کشت این روستا به کدخدا و پسرش تعلق دارد و روستائیان، که از داشتن زمین محرومند، باید روی زمین های کدخدا کار کنند.

حدود یکماه قبل درگیری بین روستائیان به رهبری شورای ده و دارو دسته کدخدا به اوج خود رسید و عمال کدخدا مسلحانه به

اهالی و خانه های آن ها حمله کردند. در نتیجه کار به دادگاه انقلاب بوشهر کشید. در این دادگاه مالک به یک سال، پسرش به ۵ ماه و رئیس شورای ده به یک ماه زندان محکوم گردیدند.

اکنون مردم روستای بنار سلیمانی که از این درگیری ها به تنگ آمده اند، خواستار اجرای دقیق و قاطع قانون و واگذاری زمین فتودال ها به دهقانان و کم زمین هستند. هیئت ۷ نفری باید به این خواست منطقی کشاورزان بنار سلیمانی رسیدگی کند و هر چه زودتر ترتیب واگذاری زمین به دهقانان را بدهند. فتودالها مایه شر و کانون تشنج و درگیری هستند. باید بساط خان خانی آن ها برچیده شود.

روستای بنار سلیمانی همچنین فاقد آب بهداشتی و درمانگاه است و مردم روستا در موارد ضروری باید به برازجان بروند. روستای مزبور برق هم ندارد و تنها مدرسه آن نیز فقط ۵ کلاس دارد. کودکان از ادامه تحصیل محروم هستند. مردم روستای بنار سلیمانی چشم تیرامه های سازندگی هستند. تا تک این نهاد فعال انقلابی، روستای خود را آباد سازند.

تقسیم زمین های بایر و موات در روستای قفر

روستای قفر در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی داران، در امتداد قرار گرفته است. در این روستا دهقانان ۲ نفر نماینده مفودرا (مکمل هیئت ۵ نفری) که از زحمتکش ترین افراد روستا هستند، انتخاب کرده اند. این ۲ نفر با تلاش بسیار توانستند نه کتب هیئت ۷ نفری داران زمین ها را به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کنند. دهقانان زحمتکش داران همچنین با تلاش بیگانه هیئت ۷ نفری توانستند وام مورد نیاز خود را بگیرند و اقدام به خرفه ها کنند. روستائیان کشت یاغیزه خود را بصورت دیمی انجام دادند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد و اراضی تقسیم شده، زمین های بایر و موات هستند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی در این شرایط حساس کام بلندی است بسود انقلاب این گام بلند با یدیا تدارک و وسایل کار برای کشاورزان زحمتکش و تهیدست تکمیل گردد. این کار هم موجب خوشحالی دهقانان محروم میشود و هم به شکست تجا و زکرا ن صدامی و خنثی شدن تمام توطئه های آمریکا یاری خواهد رساند. علاوه بر این باید دهقانان را تشویق و ترغیب کرد که این اراضی را بصورت کشاورزی کشت کنند. دهقانان زحمتکش نیز در تمام روستا های کشورمان باید در این لحظه با تمام قدرت و توان به هیئت های ۷ نفری یاری رسانند. آخرین برهیئت ۷ نفری داران!

روستای قفر در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی داران، در امتداد قرار گرفته است. در این روستا دهقانان ۲ نفر نماینده مفودرا (مکمل هیئت ۵ نفری) که از زحمتکش ترین افراد روستا هستند، انتخاب کرده اند. این ۲ نفر با تلاش بسیار توانستند نه کتب هیئت ۷ نفری داران زمین ها را به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کنند. دهقانان زحمتکش داران همچنین با تلاش بیگانه هیئت ۷ نفری توانستند وام مورد نیاز خود را بگیرند و اقدام به خرفه ها کنند. روستائیان کشت یاغیزه خود را بصورت دیمی انجام دادند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد و اراضی تقسیم شده، زمین های بایر و موات هستند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی در این شرایط حساس کام بلندی است بسود انقلاب این گام بلند با یدیا تدارک و وسایل کار برای کشاورزان زحمتکش و تهیدست تکمیل گردد. این کار هم موجب خوشحالی دهقانان محروم میشود و هم به شکست تجا و زکرا ن صدامی و خنثی شدن تمام توطئه های آمریکا یاری خواهد رساند. علاوه بر این باید دهقانان را تشویق و ترغیب کرد که این اراضی را بصورت کشاورزی کشت کنند. دهقانان زحمتکش نیز در تمام روستا های کشورمان باید در این لحظه با تمام قدرت و توان به هیئت های ۷ نفری یاری رسانند. آخرین برهیئت ۷ نفری داران!

مستکبرین دفاع کنند، به خوبی می شناسند. مردم می دانند و روز به روز بهتر می بینند که چه نبرد سرنوشت ساز حیاتی بین صدافعیین استکبار و خادمان مردم مستضعف در گریز است و چگونه باید در این هنگام از خط امام دفاع کرد و آنرا به پیشبرد. دهقانان زحمتکش ما امیدوار هستند و با ادامه فعالیت هیئت های هفت نفری مطمئن تر و راسخ تر خواهند بود.

اعضای هیئت های هفت نفری فدakar و خادم مردمند و با شایستگی که از آنها می شود، ثابت قدم تر و مصمم تر عمل خواهند کرد. باشد تا هر چه زودتر دمل چرکین بزرگ مالکی، این پایگاه امپریالیسم و باور طاغوت، برچیده شود و حق به حق دار و زمین به دهقان برسد.

نمی خورند. بهجا بود و هست که دستگاه های تبلیغاتی این موضع گیری را نیز وسیعاً به اطلاع دهقانان برسانند. مردم شیراز در ماده هفت قطعنامه راهپیمایی تاکید کردند که: "ما پشتیبانی و حمایت خود را از طرح اسلامی تقسیم زمین اعلام می داریم."

این موضع گیری راهپیمان شیراز نشان داد که مردم کاملاً هشیارند و می دانند که ریشه فاسد تزدمخالفان خط امام است و آنها در تلاش معطل گذاردن قانون هستند. مردم لبرال های مخالف خط امام را، که هباهوی "وای آزادی!" بلند کرده اند و روحانی نمایان ضد خط امام را، که حماقت تکفیر به دست گرفته اند، تا از منافع به خطر افتاده

در مطبوعات کشور

تخطئه انقلاب بعد از دولت موقت

فوق العاده این نیروها هستیم. تا این جای قضیه مطلب غریبی به همراه ندارد. یک وزیر خارجه سابق از خودش و عملکرد گذشته‌اش دفاع و تعریف می‌کند و حتی هم نداریم که واقعا برخورد وزارت خارجه ما با عراق به صلحت انقلاب اسلامی بوده است یا نه و آیا مسلمانان ستم‌کش و خیل‌شده‌ای عراق توفی که از انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند، همین بوده یا نه؟ و آیا با توجه به این که به قول خود آقای یزدی "حضور و استمرار انقلاب اسلامی برای صدام و اربابان آمریکائی‌اش قابل تحمل نیست" چنان برخوردی با عراق واقعا برای به دست آوردن فرصت لازم برای انجام ارتش و نیروهای دیگر صلح بوده است، یا به خاطر آن مثنی معروف؟! صحبت سر این است که آقای یزدی از ارائه این مطلب منظور دیگری دارد و آن تخطئه سیر انقلاب اسلامی حین برکناری دولت موقت و بعد از آن است و وانمود کردن این مطلب که اگر می‌گذاشتند ما بر سر کار می‌مانیم اوضاع امروز غیر از این بود که هست!

(پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران - ۲۹ ذر ماه ۵۹)

آقای دکتر یزدی با استفاده از موقعیت (سابق) خود در روزنامه پیر تیرازی مثل کیهان، زمان جنگ را ختم کرده و به دفاع و اعاده حیثیت از دولت موقت می‌پردازد. وی ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌های دیپلماتی وزارت خارجه دولت موقت در رابطه با عراق، بیان می‌کند که در راه انزوای عراق پیش می‌رفتیم و با عملکرد صحیح ما پشتیبانی اردن و برخی شیخ‌نشین‌ها از عراق متزلزل و این کشور وادار به مذاکره با ما گردید که بپاکر با خود صدام و دوباره با وزیر خارجه آن‌ها مذاکره و با قاطعیت! مواضع خودمان را بیان کردیم.

آقای یزدی در این سری مقالات خود متذکر می‌شوند که "حضور و استمرار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای صدام و اربابان آمریکایی و صهیونیستی‌اش قابل تحمل نبوده و از همان ابتدای پیروزی انقلاب توطئه علیه انقلاب اسلامی را شروع کرد." در مقاله همچنین اشاره شده که برخورد نظامی با عراق در آن موقع به علت شرایط خاص ارتش و نیروهای نظامی ممکن نبود و دیپلماتی ما فرصت لازم را داده است و امروزه ما شاهد تحرک

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم): با نام‌نویسی در بسیج مستضعفین، تمام نیروی خود را در خدمت مقابله با جنایتکاران صدامی قرار دهید

کردستان خواستند که با نام‌نویسی در بسیج مستضعفین، توطئه‌های مشترک امپریالیسم و رژیم‌های مرتجع منطقه و ضدانقلاب داخلی را عقیم سازند.

در این اطلاعیه آمده است:

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) با انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، از تمامی خلق کرد و نیروهای انقلابی در

کردستان خواستند که با نام‌نویسی در بسیج مستضعفین، توطئه‌های مشترک امپریالیسم و رژیم‌های مرتجع منطقه و ضدانقلاب داخلی را عقیم سازند.

در این اطلاعیه آمده است:

جنگ دادگاه‌های انقلاب برهاند، سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی را از گزند انقلاب محفوظ دارد. و چون این برنامه هم زیر فشار امواج انقلاب در هم ریخت، بورژوازی لیبرال از انقلاب "پشیمان" شد و دوباره پرچم آزادی-خواهی را برافراشت و بدین وسیله کوشید و می‌کوشد که مجدداً جبهه اصلی نبرد را، از نبرد علیه امپریالیسم و وابستگی، از نبرد برای کسب استقلال منحرف کند و آن را بنام "آزادی‌های دمکراتیک"، در واقع برای آزادی خودش، به منظور رسیدن به همان هدفی که توضح دادیم (صرف قدرت حاکم برای برداشت سهم بیشتر از تروت‌ملی و بهره‌کشی بیشتر از حمتکشان، که طبیعتاً فقط به هم‌اموابستگی کشور می‌تواند انجام گیرد) بکشد.

استقلال ...

بقیه از صفحه ۴

جنگ دادگاه‌های انقلاب برهاند، سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی را از گزند انقلاب محفوظ دارد. و چون این برنامه هم زیر فشار امواج انقلاب در هم ریخت، بورژوازی لیبرال از انقلاب "پشیمان" شد و دوباره پرچم آزادی-خواهی را برافراشت و بدین وسیله کوشید و می‌کوشد که مجدداً جبهه اصلی نبرد را، از نبرد علیه امپریالیسم و وابستگی، از نبرد برای کسب استقلال منحرف کند و آن را بنام "آزادی‌های دمکراتیک"، در واقع برای آزادی خودش، به منظور رسیدن به همان هدفی که توضح دادیم (صرف قدرت حاکم برای برداشت سهم بیشتر از تروت‌ملی و بهره‌کشی بیشتر از حمتکشان، که طبیعتاً فقط به هم‌اموابستگی کشور می‌تواند انجام گیرد) بکشد.

استواری سیاست حزب توده ایران از کجا ناشی است؟

حزب توده ایران، از روی تحلیل علمی، تجربه دراز مدت و تشخیص درست‌تر از اکثر قدرت‌مندان مبارزات انقلابی، همان فردای پیروزی انقلاب (در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب)، با بهترینی تمام این جریان - سیاست علمی درستی اتخاذ کرد. مادر همان نخستین شماره روزنامه "مردم" - ارگان مرکزی حزب توده ایران - که تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۷ بطور علنی انتشار یافت، به‌رمان "سلام بر انقلاب مردم"، در مقاله‌ای انتشار دادیم زیر عنوان "جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی است". این سیاست تا امروز، بدون کمترین انحراف و علی‌رغم محدودیت‌های بی‌دلیل و غیرقانونی که برای آزادی عمل و فعالیت حزب ما انجام گرفته است، به استواری و بی‌گیری بی‌تزلزل ادامه دارد و ادامه خواهد داد. چرا؟ آیا ما به آزادی-های دمکراتیک کم بها می‌دهیم؟ البته نه. هر بی‌غرض و منصفی تصدیق می‌کند که حزب توده ایران در تمام مدت ۴۰ ساله عمر خود، بی‌وقفه و فداکارانه در صدد استقلال، بر ضد حقتان، بر ضد قانون-شکنی‌ها، بر ضد هر نوع آزادی‌کشی و برای آزادی‌های دمکراتیک، و تعقیب برای آزادی‌های دمکراتیک، بلکه همچنین برای حقوق دمکراتیک مردم

اما وحدت غرورآفرین مردم میهن‌مان در برابر تجاوزات وحشیانه بعث صدامی و مشارکت عموم هموطنان، از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ در این نبرد حق و باطل، نشانه پیروزی حتمی مردم انقلابی ما بر آمریکا و رژیم بعث عراق است.

همشهریان گرامی!

ما هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) با پیروی از مثنی اصولی و انقلابی حزبمان و نیز با احساس مسئولیت خطیری که در قبال انقلاب و سرنوشت خلق‌های ایران، از جمله خلق رنج‌دیده کرد، داریم، در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ انقلاب ایران، از تمامی مردم انقلابی و میهن‌پرست کردستان، خصوصاً رفقای حزبی، هواداران و دوستان حزب می‌خواهیم که به وظیفه ملی، انقلابی و تاریخی خود در دفاع از انقلاب و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران عمل کرده و با نام‌نویسی و شرکت در بسیج مستضعفین، تمامی توان و استعداد خود را جهت خنثی نمودن توطئه‌های مشترک امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه و نیروهای ضدانقلاب داخلی به کار گیرند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

مرگ بر رژیم ضد خلقی صدام حسین!

پیش به سوی حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان در چهارچوب انقلاب ایران!

جنگیده است. ما برای آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و قلم و مطبوعات و اجتماعات و احزاب سیاسی و سازمان‌های صنفی و سندیکایی، برای حق کار و سکن و تحصیل و استراحت و تامين دوران بچری و برابری زن و مرد و ... برای عدالت اجتماعی، قانونیت، نخستین حزب سیاسی بودیم که پرچم افراشته‌ایم و سرخ و پیگیر مبارزه کرده‌ایم و در این راه قربانی‌ها داده‌ایم. این نبرد درازمدت و سخت و پرمخاطره و گاه خونینی که ما برای دمکراسی کرده‌ایم، نه فقط برای آن بوده که حزب ما، بیش از هر گروه و سازمان سیاسی دیگر، از فقدان آزادی‌های دمکراتیک و از وجود استبداد صدمه دیده و عذاب کشیده، و نه فقط برای این بوده که ما طبعاً برای فعالیت آزاد خود، آزادی می‌خواهیم، بلکه بویژه برای این بوده که، ما دمکراسی را برای رشد و تکامل جامعه، از هر بابت و در هر زمینه، لازم می‌شمیم. ما امروز نیز خواستار جدی امنیت قضایی، قانونیت و آزادی‌های دمکراتیک هستیم، خواستار جدی اجرای کامل و دقیق تمام آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مصرح در قانون اساسی هستیم، خواستار گشاده دستی در اجرای دمکراسی و پاکسازی تمام رسوباتی که در طرز تفکر و شیوه عمل این و آن، از دوران مدید قرون حکومت استبدادی بازماندند، هستیم و در حدود توان خود، ولی مجدانه و بی‌پیکر، در راه این خواست‌های محقانه و عادلانه مبارزه می‌کنیم.

ولی جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی، جبهه نبرد با امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، جبهه نبرد با خطر کسب استقلال است، چونکه - باید تاکید کرد - با کسب استقلال، با شکست آمریکا، با شکست ضدانقلاب، با درهم کوبیدن پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران (سرمایه‌داری وابسته و بزرگ - زمین داری)، با پیروزی در این جبهه اصلی نبرد است که آن دو دیگر هدف انقلاب، یعنی دمکراسی و نوسازی کشور به‌سود زحمتکشان ممکن خواهد شد، و دمکراسی مضمون واقعی و خلقی کسب خواهد کرد، و نوسازی کشور به‌صورتی انجام خواهد گرفت که رفاه معنوی و مادی خلق قهرمان ستم‌کشیده، ما را تامين کند و ایران عزیز، وطن عزیز ما را به ایرانی آباد و آزاد و مشرقی و سر بلند بدل کند. در این راه و برای رسیدن به این مقصود سرنوشت‌ها کت کند خار مفلان عم مخور!

آزادی لیبرال، یعنی آزادی غارت و کشتار

و اکنون روی سخن با لیبرال‌های شیفته غرب و گروه‌های مدافع حکومت مردم بر مردم است که این همه سنگ دموکراسی غربی را به سینه می‌زنند و باید جواب دهند که چه ویژگی در این شیوه حکومتی نهفته است که منشا و توجیه این همه جنایات و انهدام انسانیت، چه در درون مرزهای غرب و چه در خارج از مرزهایشان یعنی در سراسر جهان می‌باشد؟؟

ما با بررسی عملکرد دموکراسی غربی، این شیوه حکومتی را چیزی جز فاشیسم با آرایش دموکراسی نمیدانیم و آنرا "فاشیسم دموکراسی می‌نامیم. پس نتیجه می‌گیریم که در مقاله آزادی صرفاً به شعارها و ظواهر زیبا و فریبنده نباید پرداخت و انسان آزاد کسی است که در سبزه رشد و تکامل قرار گرفته و هیچ مانع و قیدی او را از راهش باز ندارد و سرنوشتش را تغییر ندهد.

چه بسا آزادی‌هایی در محتوی انارت است همچون آزادی در فساد و لجام گسختگی و ... یک آزادی هنایش‌رهای از اسارت و وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به بیگانه است. و دیگری هنایش آزاد گذاشتن سابقه‌ورق‌بابت برای وابستگی و نوکری و بیگانه برستی است. یک آزادی، آزادی خمینی و دیگری آزادی لیبرال است.

(کیهان - ۲۹ ذر ۵۹)

ارتش آمریکا بمخاطر حفظ منافع امپریالیسم غرب سال‌های سال رویتام را زیر آتش گرفت. هم دموکراسی، که در زمان "نارحموم کندی" از پاید گذاران جنایت بودند و هم جمهوری-خواهان، که شدیدترین بمباران‌ها را علیه هائوی به‌کار گرفتند، همگی به نام دفاع از صلح جهانی دست به این کارها زدند:

از یک طرف حمایت بی‌دریغ حقوق بشر آمریکایی از کشتارهای وحشیانه مارکوس در فیلیپین، یا کشتار فجیع صدها هزار مسلمان در اندونزی توسط "سوارتو" و یا دفاع از رژیم‌های فاشیستی هم‌چون "پینوشه" در شیلی، نظامیان در آرژانتین و برزیل و کشتار وحشیانه خلق السالوادور، گواتمالا، دومینیک و همچنین کشتار مسلمانان قطار توسط شاه ملوک و قایوس منفور و حمایت از رژیم‌های ارتجاعی و فاشیست عربستان، اردن، مصر و ... از طرف دیگر قرن‌ها استعمار و کشتار وحشیانه مستضعفین جهان توسط دموکراسی کهنه‌کار انگلیس در هند و خاورمیانه و آفریقا و جنایات دموکراسی فرانسه در خاور دور و آفریقا و آمریکای لاتین و ...

همه جنایاتی که از قرن‌ها پیش توسط دنیای غرب علیه مستضعفین جهان اعمال می‌شود، با شعارهای دفاع از آزادی دموکراسی غربی و صلح جهانی همراه است.

نامه کارگران اخراجی شرکت نفت فلات قاره (بهرگان) به نامه «مردم»

پس از صدور بخش نامه مدیر عامل شرکت نفت فلات قاره خطاب به رئیس منطقه بهرگان بهرامون کار کارگران روزمزد این شرکت، ۶۰ تن از این کارگران اخراج شدند.

مطابق این بخش نامه "ادامه کار" این کارگران موکول به "کسب مجوزی" از شخص مدیر عامل شده بود. کارگران اخراجی طی نامه‌ای به نامه "مردم" به اخراج خود اعتراض کرده‌اند، در این نامه می‌خوانیم:

"روزنامه" نامه "مردم" منطقه نفتی "بهرگان" امام حسین، که قبلاً بنام "بهرگان" با همکاری دولت ایتالیا و

گروه‌های از کم کارگران نفت، که طی اطلاعیه‌ای از طرف شورای اسلامی کارکنان سوخت‌گیری هواپیما بی صنعت نفت اعلام شد، به شرح زیرین است:

الف- هدایای نقدی، که به حساب‌های مربوطه واریز گردیده است:

۱- مبلغ ۴۰۲۰۰۰۰ ریال به حساب ۱۱۴۰ مجلس شورای اسلامی،

۲- مبلغ ۸۰۰۰۰۰ ریال به حساب ۷۷۷۷۷ هلال احمر،

۳- پرداخت از یک‌تاش روز حقوق به مدت یک الی دوازده ماه به حساب ۷۷۷۷۷،

ب- کمک‌های جنسی که به اسواژ ارسال گردیده است:

۱- برونج ۶ تن،

۲- شکر ۲ تن،

۳- روغن نباتی ۱/۵ تن،

۴- حبوبات ۱/۵ تن،

۵- چای ۱۲۰ کیلو.

تفکران و ...

بقیه از صفحه ۴

حقه ما کارگران است و طبق قانون کار، شرکت نتواند یک طرفه و به دلخواه آن را قطع نماید، ولی چون شرایط حسان ملکیت ایجاد می‌کرد که چنین تصمیمی گرفته شود، لذا می‌باید وقتی شرایط به حالت عادی برگشت مجدداً قابل پرداخت باشد.

گوشه‌ای از کمک‌های نقدی و جنسی تفکران به جبهه

تفکران کمک‌های نقدی و جنسی خود را به سوی جبهه جنگ و مناطق جنگ‌زده سرازیر می‌کنند.

ایران اداره می‌شد، اکنون بعد از انقلاب، که ایتالیایی‌ها از آن منطقه رفتند، تمام کارمندان و کارگران آن ایرانی می‌باشند. حدود ۵۰۰۰ کارمند و کارگر در منطقه امام حسن کار می‌کنند.

از تعداد ۳۰۰ کارگر، ۶۰ نفر روزمزد هستند و از ۲ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند.

اخیراً مدیر عامل بخش‌نامه‌ای صادر کردند که طبق این بخش‌نامه کارگران روزمزد می‌بایست از این تاریخ به علت نبودن کار در منطقه اخراج شوند و همگی را اخراج کرد.

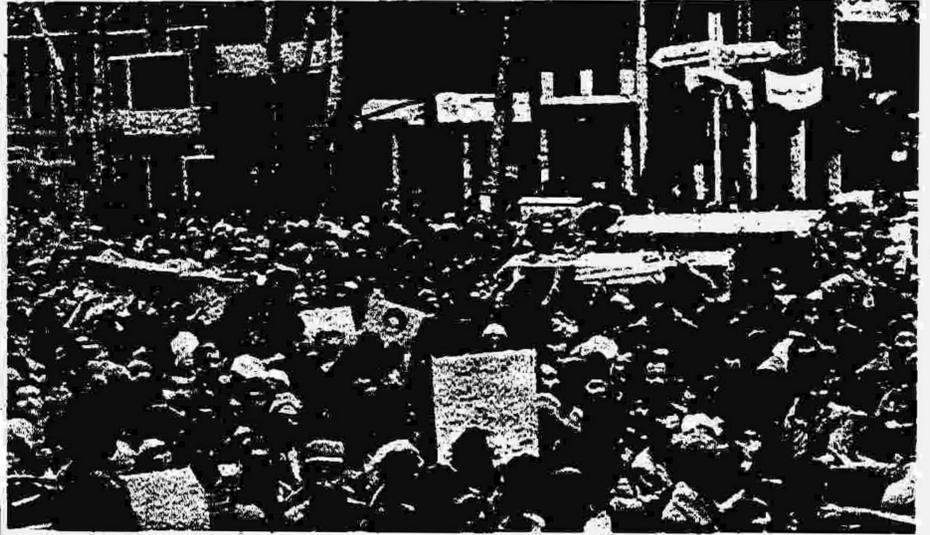
تمام کارگران اخراجی بومی هستند و هیچ نوع شغل دیگری ندارند و اکنون قریب یک‌ماه است که هیچ‌گونه حقوقی به آن‌ها ندادند.

خواهشمندیم با درج این نامه در این کارگران اخراجی رامنعمک کنید تا از سوی مسئولین به آن رسیدگی شود.

- از طرف کارگران اخراجی -

در مراسم تشییع جنازه شهید در گرگان:

خون شهیدان تداوم بخش مبارزه با امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکاست



در مراسم تشییع جنازه شهید جنگ، که در گرگان برگزار شد، مردم شعار میدادند: «قم به خون شهید، مبارزه با صدام با آمریکا ادامه دارد» هزاران نفر از مردم گرگان روز ۲۱ آذر ۵۹، همراه با رزمندگان پاسدار و ارتش برای تشییع جنازه شهید: طالب فتاحی (سرباز)، شیخان بهرامی (پاسدار) و شیخان آزادی که از اهالی روستاهای قلعه حسن، هاشم آبک، بالاچله بودند و در جبهه‌های جنوب و غرب کشور به شهادت رسیده‌اند از سردخانه تا گورستان رامپیمایی کردند. پیشاپیش رامپیمایان، که اغلب از زحمتکشان روستایی و شهری بودند، دسته موزیک و گارد احترام ارتش رژه میرفت. مردم شعار می‌دادند: «توب، فانگ، مسلسل دیگر اثر ندارد، از شربت شهادت، صدام خبر ندارد». «آبادان، خوزستان مقاومت کن، مقاومت کن».

در ادامه جنگ...

بقیه از صفحه ۱
با دادن ۱۸ کشته و ۳۹ مجروح متواری شدند. از نیروهای خودی یک تن شهید و ۴ تن مجروح شدند.
۳- همچنین روز چهارم دیماه، مناطق سرپل ذهاب، گیلانغرب و کوره موش درگیر میادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی و نیروهای مزدور ارتش عراق بوده و تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای دشمن وارد شده است.
۴- در جبهه سوسنگرد رزمندگان نیروهای خودی در یک عملیات چریکی موفق شدند، یک دستگاه نفربر و ۴ سنگر دشمن را منهدم کرده و حدود ۲۰ تن از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانند. در این عملیات چریکی ۲۵ تن از مزدوران صدام زخمی شدند. همچنین در اینروز شهر سوسنگرد بطور متناوب زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت.
۵- بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های اهواز، این ضایعات به دشمن وارد شده است: انهدام ۷ دستگاه تانک، ۲ دستگاه خودروی سنگین، ۲ دستگاه

خودروی حامل مهمات، ۴ دستگاه بولدوزر، ۲ دستگاه نفربر و ۲۲ سنگر. ضمناً در این عملیات نیروهای مزدور ارتش عراق حدود ۳۰ تن کشته و مجروح داشته‌اند.
۶- در اثر آتش سنگین توپخانه‌های نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه مازندران چندین قبضه تیربار و تعدادی از سنگرهای مزدوران ارتش عراق به آتش کشیده شد. در جبهه آبادان- ماهشهر نیز، ۴ سنگر دشمن زیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفت و تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن در این منطقه به هلاکت رسیده و مجروح شدند. در این عملیات آمبولانسهای دشمن مدتاً مشغول تخلیه مجروحین و کشته‌های خود بودند.

کمک مالی به حزب توده ایران! لگ و طعنه‌اشلابی است!

آنا خانواده آزاد ۵۰۰ ریال
ح. ا. ص. از ساری ۳۰۰۰ ریال
جمع آوری شده در عروسی رضاقومیه ۴۰۰۰۰ ریال
همت از شهر کرد ۲۱۰۰ ریال
حمت از شهر کرد ۱۱۰۰ ریال
سازمان حزب از شهر کرد
ع. سمنی ۴۰۰۰۰ ریال
از دامغان ۱۳۰۰۰ ریال
رفیق لاله از چالوس ۲ سکه برمی
رفقا ط. و آذر ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمانشاهی شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیردازند.

با هشیاری واتحاد...

بقیه از صفحه ۱
از طرف دیگر، اختیار حاکمیت که ضمن تشدید بی‌سابقه فعالیت نظامی آمریکا و عملیات در منطقه (تمرکز ناوگان عظیم آمریکا، همراه با واحدهای «راکتش سریع» در مجاورت ایران، تقویت نظامی دولتها و شیخ‌نشین‌های مرتجع خلیج فارس و تسویق آنها به مداخله نظامی در ایران، انزمام لشکرهای پاکستانی به عربستان سعودی و برخی شیخ‌نشین‌ها و غیره) طرح اشغال نظامی سه جزیره ایران (تیب بزرگ و کوچک و ابوموسی) واقع در دهانه آبراه هرمز، تهیه و آماده برای اجرا شده است. طرح رسیده‌تری نیز که بنام طرح «لوتیز» معروف است و توسط نیکسون- کیسینجر آماده و توسط پرژینسکی تکمیل شده، در دستور روز قرار گرفته است. طبق این طرح می‌بایستی با تجزیه کشورهای موجود در منطقه، «مبنی کشورهای» بوجود آیند که هدایت آنها آسانتر باشد. سهم ایران در این طرح، تجزیه بلوچستان، خوزستان و کردستان از مین ما است.
در مغز جهانخواهران ماجواجوی یانکی، اجرای طرح اشغال جزایر ایران در خلیج فارس، قاعدتا می‌بایستی بعنوان مقدمه‌ای برای اجرای طرح «لوتیز» در نظر گرفته شده باشد، بشرط اینکه مسیاه طرحهای فوری تر، موثرتر و قابل اجرائی را پیشنهاد نکنند.
ضمناً بدیهی است که باید ضدانقلاب گریخته از ایران را نیز «حاضر بکار» کرد. از جمله «رتبه سفیر» را به اشرف خانن هموار کرد، تا به آمریکا- مرکز جنایتکاران جهان- برود و در ملاقات‌های «غیررسمی» با کیسینجرها و راکفلرها و راجرزها، مطمئن شود که آمریکا از هیچ کجکی برای استقرار رژیم «شاهنشاهی» در ایران به اشرف خانن و شرکا دریغ نخواهد ورزید.

شکلی از اشکال که بخواهد اجرا شود، فوراً و با قاطعیت عقیم کرد. آماده شدن برای درهم شکستن فوری و قطعی توطئه جدید آمریکا، قبل از هر چیزی، مستلزم اجرای رهنمود امام خمینی منبربر تأمین و حفظ آرامش و امنیت است. باید از هرگونه درگیری، اعتصاب، تحصن و تظاهر و هراقدامی، از جمله تبلیغاتی که جو ناسالمی بوجود می‌آورد و زمینه را برای فعالیت ضدانقلابی فراهم می‌کند و توجه مردم را از خطر توطئه منحرف میکند، مجدداً جلو گرفت.

اتحاد عقل تمام نیروهای راستین انقلابی وسیله مطمئن رضامن پیروزی در هر درگیری با دشمن غدار- آمریکای جنایتکار است. باید تمام تدابیر مفید و لازم برای اتحاد عمل نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اتخاذ و اجرا شود. صف نیروهای مدافع انقلاب را باید قدرتمندتر کرد. توده‌های میلیونی زحمتکشان رستخیزان شهر و روستا را باید فوراً برای مقابله با توطئه جدید آمریکا و درهم شکستن آن بسیج کرد. برای بسیج این توده‌های میلیونی، باید انقلاب را تعمیق کرد و مواضع اجتماعی ضدانقلاب را تخریب نمود. برای تخریب مواضع اجتماعی ضدانقلاب باید با قدرت اصلاحات ارضی مصوب را تحقق بخشید، بازرگانی خارجی را ملی کرد، توزیع عادلانه کالاهای ضروری را با وسعت و دقت به اجرا درآورد، برشته اقداماتی در این زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی دست زد، تا توده‌های میلیونی هرچه زودتر و بنحوی ملموس و محسوس از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند و سد غیرقابل شکستی در برابر هر توطئه ضدانقلابی ایجاد کنند، تا ضدانقلاب متزوی و ناتوان شود و دست داخلی آمریکا بشکند.

کار دستگاه تبلیغاتی در ایجاد حفظ آرامش، در تدارک اتحاد عمل انقلابی تمام نیروهایی که بتوان برای دفاع از انقلاب متحد ساخت، در تعمیق انقلاب و اجرای تدابیر مفید و لازم در زمینه بسیج توده‌های میلیونی برای حفظ جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آمریکا و عالشی، حائز اهمیت بزرگی است. باید بکار دستگاه تبلیغاتی، بویژه به رادیو و تلویزیون بیش از پیش توجه کرد. از وظایف مهم این دستگاه جلب توجه مردم به جبهه جنگ، جلب توجه مردم به تدارک توطئه جدید آمریکا، جلب توجه مردم به لزوم حفظ آرامش، اتحاد عمل، بسیج توده‌های میلیونی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. دستگاه تبلیغاتی باید به مردم دائماً این حقیقت را گوشزد کند که ما با قهریدن صفوف انقلابی خود میتوانیم آمریکای خدعه‌گر و متجاوز را درهم شکستیم و پیروزی نهائی با ما است.

خلاصه در يك کلام، ما در آستانه يك توطئه جدید و توتی آمریکای جنایتکار قرار گرفته‌ایم و باید بیدارتنگ تمام تدابیر لازم را برای شکستن این توطئه جدید بکار بندیم.
آمریکای جنایتکار میخواهد ما را نابود کند. ما راهی جز پیروزی نداریم. ما پیروز خواهیم شد.

۳ رفیق توده‌ای...

بقیه از صفحه ۱
حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این اعمال غیرقانونی، و جلب توجه مسئولین کشور،

پیام شادباش...

بقیه از صفحه ۱
پایه‌گذاری حزب کمونیست فرانسه را به شما و از طریق شما، به همه اعضای و هواداران حزب پرافتخارتان صمیمانه شادباش میگوید.
تاسیس حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۲۰ رویداد تاریخی‌سازی در حیات سیاسی و اجتماعی فرانسه و طبقه کارگر کشورتان بشمار میرود. در «کنگره توده‌بخش عظیمی از طبقه کارگر فرانسه از رهبران ایوزونویست حزب سوسیالیست گست و حزب مستقل خویش، حزب کمونیست فرانسه را برپایه اندیشه‌های توانای مارکسیسم-لنینیسم و اترتاسیونالیسم پیروتری بنا نهاد.

حزب کمونیست فرانسه در شصت‌سالگی که از پایه‌گذاری آن میگذرد، همواره مدافع پیگیر منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و خلق فرانسه بوده است. کمونیستهای فرانسه با پیکار جانباخته خود در صفوف پیشاپیش رزمندگان ضد فاشیست در جنبش مقاومت علیه فاشیسم، حماسه‌ها آفرینند. در دوران پرتلاطم پس از جنگ نیز حزب کمونیست فرانسه پیوسته راهنمای طبقه کارگر فرانسه در مبارزات درخشان آن در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم بوده است.
همبستگی اترتاسیونالیستی در تاریخ فعالیت حزب شما همواره مقامی بس شامخ داشته است.
در این گستره، حزب توده ایران و جنبش رهاپیشش مین ما پیوسته از پشتیبانی و همبستگی بیدریغ حزب کمونیست فرانسه برخوردار بوده است. کمونیستهای فرانسه در سیامت‌ترین دوران اختناق رژیم منفور پهلوی، ندای حق طلبانه خلق و زحمتکشان ایران و حزب ما را بگوش مردم فرانسه و جهانیان میرسانند و اکنون نیز پیگیرانه از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما در برابر صامتن روزافزون امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسر کردگی آمریکا، به دفاع مشغولند.
رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران در شصتین سالگرد تاسیس حزب افتخارآفرینتان، یار دیگر برهمبستگی خود با پیکار کمونیستهای فرانسه در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم تأکید می‌کند و پیروزیهای هرچه پیشتر شما را در راه پیشبرد این هدفای والا خواستار است.
با درود های رفیقا
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیراول: نورالدین کیانوری

سادات سخاوتمند!

جناب انور سادات در مورد «مبارزان» افغانی بسیار سخاوتمند شده است. انور سادات در نظمی بمناسبت سالگرد تولد خود، ضمن اشاره به «تصمیم دولت مصر برای افزایش کمک‌های نظامی هرچه بیشتر به مبارزان افغانی» اعلام کرد که از مایملک شخصی خود، مقداری وجه نقد و لوازم ضروری برای کمک به مبارزان، کتیار گذاشته است. سادات تاکید کرد که کمک‌های گسترده دولت مصر به این مبارزان شجاع، بیش از پیش گسترش خواهد یافت. این کمک از راه پاکستان در اختیار ضدانقلابیون قرار می‌گیرد.

سادات بعد از ملاقات با یک هیئت «مبارزان افغانی» به رهبری ماجدی، این نقطه را ایراد کرد.

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه می‌شود:
* نورالدین کیانوری: درباره «القائ ایدئولوژی» - انتقاهای واقفیت‌ها (شماره ۴۰۴)
* خطر آمریکا، جدی، فوری و باقی است (شماره ۴۰۵).

نقشه مرموم ارگان مرکزی حزب توده ایران

داوخته امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 406 29 December 1980

Table with 2 columns: Country and Price. Includes West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr).

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران



زحمتکشان پرتغال با استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله خواهند کرد

لویس خودوس، عضو دبیرخانه ملی کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال و عضو پارلمان این کشور گفت: «زحمتکشان پرتغالی قاطعانه با طرح ریمان ناتو در مورد استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله می‌کنند.» وی متذکر شد:

«این اقدام با منافع همه‌خلفای جهان مغایرت دارد و استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که از سوی دولت کارتر تنظیم شده است، تهدیدی جدی برای همه بشریت است.»

در جریان تظاهرات در جلوی سفارت آمریکا: مردم کانادا شرکت‌آمیرالیسم آمریکا در سرکوبی خلق السالوادور را محکوم کردند

در تورنتو، یکی از شهرهای کانادا، جمعیت زیادی به نشانه اعتراض به دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی السالوادور، که تاکنون به کشتن عده زیادی از مبارزان آزادیخواه و دستگیری و شکنجه و آزار انقلابیون این کشور منجر شده، در جلوی سفارت آمریکا به تظاهرات پرداختند. تظاهرکنندگان، ضمن محکوم کردن اعمال جنایتکارانه هیئت حاکمه دست‌نشانده السالوادور، خواستار قطع کمک نظامی به السالوادور شدند. شرکت‌کنندگان در تظاهرات همچنین از دولت کانادا خواستند که رسماً چنین دولتی را در پیش بگیرد.

عضو رهبری لیبی:

امپریالیسم آمریکا تمام کوششها برای حل و فصل عادلانه اختلافات در خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد

احمد شهابی، عضو رهبری لیبی، در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس اعلام کرد: «افزایش حضور نظامی آمریکا در دیگر کشورها، صلح و امنیت همگانی را به خطر انداخته است.» وی ضمن اشاره به تلاشهای جدید امپریالیسم آمریکا برای به‌آشوب کشاندن اوضاع منطقه، گفت: «وزارت جنگ آمریکا در مصر، عربستان سعودی، سومالی و در دیگر کشورهای منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس پایگاههای نظامی ایجاد کرده است.» احمدشهابی همچنین متذکر شد: «آمریکا تمام کوششها در راه حل و فصل عادلانه اختلاف خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد.»

وزارت خارجه هند گزارشهای تحریک‌آمیز امپریالیستی علیه این کشور را تکذیب کرد

وزارت خارجه هند این باطلیل را که گویا این کشور در برابر دریافت اسلحه از اتحاد شوروی بنادر خود را برای ساختن پایگاه‌های نظامی و دریایی در اختیار شوروی قرار می‌دهد، قویاً تکذیب کرد. لازم به یادآوری است که رژیم دست‌نشانده ضیاع‌الحق در پاکستان، برای منحرف کردن افکار عمومی جهان از سیاست خائنه خود در تبدیل پاکستان به پایگاه توطئه و تجاوز آمریکا علیه‌خلفای منطقه، منبع اصلی بخش این اراجیف است.

معاون وزارت دفاع کامبوجیا: نیروهای مسلح کامبوجیا آماده سرکوب تمام تجاوزات امپریالیستی به قلمرو کشور هستند

جانسی، معاون وزارت دفاع جمهوری خلق کامبوجیا گفت: «واشنگتن و یکن به توطئه‌های خود علیه کامبوجیا ادامه می‌دهند تا مانع ساختمان زندگی نوین در کشور شوند.» وی افزود: «رهبران چین به حمایت همه‌جانبه از باند جنایتکار بولرت - یتگساری ادامه می‌دهند و از تلاش برای سرهم‌بندی کردن یک جبهه ضد کامبوجیایی از گروههای فراری ضدانقلابی دست نکشیده‌اند.»

جانسی گفت: «مقامهای قایلندی که در خدمت ارتجاع جهانی هستند، از اوباشان بولرت - یتگساری حمایت نظامی مستقیم بعمل می‌آورند و نیروی هوایی تابند بطور منظم حرم هوایی کامبوجیا را نقض می‌کنند. این اقدامها مانع کاهش تشنگی مردمی در کشورهای آسیای این مقام‌پرسته کامبوجیایی در سخنان خود، ضمن سیاست‌سازی عمیق خلق کامبوجیا از نیروهای مسلح و ریتام، که پویژه در زمینه ایجاد و تحکیم ارتش انقلابی خلق کامبوجیا برادرانه همکاری می‌کنند، گفت: «نیروهای مسلح کامبوجیا آماده‌اند به تمام توطئه‌های ارتجاع جهانی پاسخ دندان‌شکن بدهند.»

شوخی نیست...!

دسته گلی که دکتر متخصص «القائ ایدئولوژی» به آب داد

گفتم: خوب چکار کنیم؟ شما را القاء کنم تا دست از این مبارزات خونین ضد امپریالیستی بکشید؟ گفت: هر جا می‌روم، می‌گویم من مسلمانم، می‌گویند: لیبرال! هر جا می‌روم و قسم می‌خورم که من مسلمانم، می‌گویند: بیرو سازشکار، بیرو، یا اسلام آمریکایی نمی‌خواهیم.

پرسیدم: هر جا؟ گفت: هر جا که نه. چند روز پیش توی سرای دستمالچی بودم. همه حاضر بودند پشت سرم نیاز بخوانند. اما خدا نکند بایم را یکبارم متلا توی میدان راه‌آهن، یا جوادیه، آنوقت توه هم برایم خرد نمی‌کنند که هیچ، هر شمار می‌دهند: لیبرال! لیبرال! لیبرال!

به اینجا که رسید، گوش می‌آمد دستم که وضع بیمار خیلی بحرانی است. برای اطمینان بیشتر ماینه‌اش کردم. یله، غلظت لیبرالی طرف حداکثر بود، تازه زیادی هم داشت، آنقدر که از قبض چندتا لیبرال حرفه‌ای میشد ساخت. یا این‌درجه غلظت، ظاهراً از آن سرشناسها هم بود. خوب به چهره‌اش دقت کردم. یله، خودش بود. شناختم.

پرسیدم: حالا باید برایتان چکار کنیم؟ گفت: راستش آمدمم یک کمی اسلام به من القاء کنید، تا شاید مردم قبول کنند من مسلمانم. گفت: عرض شود که، اسلام انقلابی که القاء کردی نیست، اگر بخواهید می‌توانم به شما اسلام آمریکایی...

حرفم را برید و گفت: میخواهید زیره به کرمان بپزید... گفت: یله، متوجه شدم. می‌خواهید «شبه اسلام»، «اسلام ماتوئیستی»، «اسلام ضیاع‌الحق»... به شما القاء کنم؟

بیمار قبول کرد و بنده در همان حالت خواب و بیداری، توسط یک آمبول بزرگ، مقدار زیادی بایشان ایدئولوژی مورد نظر را القاء کردم. بیمار بعد از تشکر، در حالیکه کارتی را از جیب درمی‌آورد، آمد و بیخ گوشم گفت:

اگر القای شما ثمر بدهد، قول میدهم برایتان یکدانه از این «گرین کارت»ها بگیرم. روز چهارشنبه صبح تازه وارد مطب شده بودم، که منشی یک روزنامه برایم آورد و گفت: - آقای دکتر نگاه کنید، آن مریش آن روزی، توی روزنامه مصاحبه کرده.

نگاه کردم و دیدم راست می‌گوید. ویرم گرفت برای اینکه تبض این جور مریش‌ها بیاید دستم، مصاحبه را بخوانم. رقم سراغ مصاحبه و همینکه تیر مطلب را دیدم، حذر زدم چه دسته گلی آب‌دادم و بعد مطلب را خواندم و دیدم بر است از: «جه‌منايه بهترین پرسوسه مارکسیستی»، «این حزب دچار اپورتونیسم بوده»، «منشی رفورمیستی»، «یک‌دسته اقدامات رفورمیستی»... و چند تا نقل قول از یکی از رهبران معروف مارکسیست.

باینکه یکوشی نکوشی متوجه شده بودم چه دسته گلی آب‌دادم، برای اطمینان خاطر رقم سراغ فرهنگ مارکسیستی. دیدم نوشته است که «اپورتونیسم» را اولین بار همان رهبران معروف مارکسیست درباره انحراف در جنبش کارگری بکار بردند و... آخر سر هم رقم سراغ آمبول‌ها و دیدم یله، به بیمار بجای «شبه اسلام» مقدار زیادی ایدئولوژی «شبه مارکسیستی» القاء کرده‌ام. دیگر نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و زدم زیر خنده. حالا هم از زور خنده نمی‌توانم ادامه بدهم.

بی‌مقدمه عرض کنم که هفته گذشته بنده دسته گلی به آب‌دادم که خودم را از خنده روده‌بر کرده‌ام. لایم می‌پرسید بنده که باشم که بایم برهنه دویدم وسط؟ عرض شود که بنده همان دکتر صادق قانع معروف هستم، که در «القائ ایدئولوژی» تخصص دارم. حتما می‌دانید که بنده متخصص القاء انواع و اقسام ایدئولوژی هستم و این روزها، که بیماری «آیدئولوژی» در کشور سخت واکیر شده، فرستمر خاراندن هم ندارم. یله، داشتم از دسته گلی که آب‌دادم می‌گفتم. ماجرا این است که دوشنبه گذشته در حالیکه ۲۳ ساعت از ۲۴ ساعت را ایدئولوژی القاء کرده بودم و باز هم صف در صف در مطب مشتری‌نشسته بودم، منشی مطب آمد و گفت:

یک آقائی که فارسی را یک‌جوری حرف می‌زند، بیشتر از صدبار تلفن کرده و وقت می‌خواهد. همانطور که داشتم به یک ماتوئیست، آمبول ۷۰۰ می‌سی «اسلام آمریکایی» می‌زد، گفت: - می‌بینی که وقت ندارم. منشی با لحن دردناکی گفت:

- آخر این آقا مرا به تک آورده، می‌گوید مساله مرگ و زندگی در میان است. خواهش کرده که هر طور است اوزا ببینید. هر چه من گفتم دکتر وقت ندارد، اصرار کرد که بخود دکتر بگویند، شاید درست بشود. راستش نگران شدم. گفتم:

- این یکساعت را هم نمی‌خواهم، زندگی مردم محتر است. تلفن بزیند خودش را برساند. بگریه بدم، در اقامت باز شد و آقایی، که عینک طبی قشنگی بچشم داشت و مقداری از ریشش سفید شده بود و به نظر آشنا می‌آمد، وارد شد. نشسته نشست، شروع کرد تند و تند به حرف زدن. می‌گفت (البته ایشان لجه آمریکایی داشت و بنده ترجمه حرفهایش را می‌نویم):

- آقای دکتر، شما باید بمن، کمک کنید، کمک کنید. چه زمانهای شده آقا. سالهای سال در ایالات متحده آمریکا خون دل خوردم و برای اسلام مبارزه کردم. سالهای سال از پنسیلوانیا گرفته تا ماساچوست اسلام را تبلیغ کردم. سالهای سال در هجرت و در بدری از این شهر ایالات متحده آمریکای شمالی به آن شهر ایالات متحده آمریکای شمالی رفتم و با امپریالیسم مبارزه کردم. به ایران هم که برگشتم، وقتی این مردم رفتند و سفارتخانه کبرای ایالات متحده آمریکای شمالی را تسخیر کردند، در ادامه مبارزاتم رفتم و دیپلمات‌های محترم سفارت راه که مردم به آنها می‌گفتند جاسوس، آزاد کردم

و به مردم گفتم که این کارها اسلامی نیست. در دو سال گذشته با کارهای غیر اسلامی که این مردم دنبال هستند، مانند واگذاری زمین به دهقان‌ها، ملی‌شدن صنایع و بیمه، ملی‌شدن مدارس و هزاران کار مانند آن مخالفت کردم و به مبارزه ضد امپریالیستی ادامه دادم. بالاخره هم برای اینکه نفرت خود را از امپریالیسم نشان بدهم، رقم و همراه دوستانم با برزیلکی ملاقات کردم و چه وعده‌ها که... حالا می‌دانید چه شده آقای دکتر؟ حالا به بنده می‌گویند: لیبرال! می‌گویند: سازشکار! می‌گویند: آمریکایی!

گفتم: خوب، منشر، ببخشید آقای عزیز، من چکار می‌توانم برایتان بکنم؟ نگاهی به من انداخت و گفت: مگر شما متخصص القاء ایدئولوژی نیستید؟ گفتم: چرا.

گفت: خوب، کاری بکنید.

جک اندرسن، توطئه‌های «سیا» را علیه آنگولا فاش کرد

جک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکایی، در واشنگتن فاش کرد که سازمان سیا در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۶ علیه انقلابیون سازمان داده بود. به نوشته اندرسن، سازمان سیا در این دوره مزدور استخدام میکرد و به آنکولا تسلیل میداشت. سازمان سیا در این آفریقای جنوبی را به تجاوز علیه آنکولا تحریک کرد.